

## فصل سی و دوم

### یکسال وقت گم شده

پس از تاجگذاری سلطان احمد شاه یا ابتدای شروع جنگ اروپا اوضاع سیاست خارجی و داخلی ایران دچار بحران شدید گشت بدلائل ذیل :

۱ - سلطان احمد شاه هفده ساله سنش مقتضی نبود زمام امور مملکت را کاملاً بدست خود بگیرد و از طرفی از مجلس شورای ملی و مشروطیت اندیشه داشت و نمیخواست کاری که بوی استبداد از آن بیاید از وی صادر گردد این بود که در برابر مجلس و وزرای مشروطه تسلیم صرف بود .

۲ - مجلس داور شد بانمایندگانی که بیشتر آنها لیاقت برای آن مقام نداشتند و نظامنامه انتخابات آنها را بقوت ملاکی و رعیت داری یا بنفوذ روحانیت انتخاب کرده بود و یا آنکه طرفداران اجانب چه از مأمورین جزء که زیر دست مستخدمین - بلژیکی کار میکردند و خود را هوا خواه روس و انگلیس میدانستند و چه غیر آنها بتحریكات اجانب بکرسی نمایندگی نشستند .

بدیهی است از چنین مجلس با اختلافات دستجات مختلف که اغلب از روی غرضهای خصوصی تشکیل شده و اساس درستی ندارد امید خیر و صلاحی نمیتوان داشت مخصوصاً که جمعی منتظر الوزاره در میان نمایندگان بودند که برای رسیدن بمقام وزارت راضی نمیشدند کابینه‌ئی که آنها در آن نباشند تشکیل شود یا دوامی داشته باشد .

۳ - مردان با کفایتی هم که بتوانند کرسیهای وزارت را اشغال نمایند و بوظیفه امروز ایران رفتار کنند موجود نبودند و اگر بودند هم نزدیک بکار نبودند تنها معدودی از شاهزادگان و رجال کهنه از کار افتاده مرعوب اجانب و یا نورسان طماع خائن و متمایل با جانب پیشقدم برای تصدی وزارت بودند در صورتیکه همین معدود هم

## یکسال وقت گذشته

بایکدیگر اتحاد و یگانگی نداشتند و هر چند تن از آنان ده روی کار میآمدند مابقی برضد آنها برخاسته آنقدر کار شکنی میکردند که آنها را از کار بیندازند و باین سبب در ظرف یکسال پنج مرتبه کابینه وزراء تغییر کرد و هر دفعه مدتی بحرانش بطول انجامید و باین واسطه رشته امور از هم گسسته شد و شیرازه کارها پاره پاره گشت.

۴ - اثرات جنگ بین المللی اروپا در ایران ظاهر شد و مأمورین سیاسی دودسته بجان یکدیگر افتادند و بتحریكات داخلی از هر طرف پرداختند و بملاحظه فتوحات محیر العقول آلمان که قهرآمالب توجه ملل بی طرف است و بملاحظه دلتنگی ایرانیان از تجاوزات روس و انگلیس و از بودن قشون روس در شمال مملکت از روی حس انتقام افکار عمومی متمایل بآلمان گردید علیالخصوص که دولت هم مذهب همسایه ما عثمانی هم داخل جنگ شد و برضد روس و انگلیس و فرانسه قیام نمود و از مرکز خلافت عثمانی حکم بجهاد مقدس صادر گشت و روحانیان شیعه مذهب مخصوصاً مجاورین عتبات عالیات هم از آنها پیروی کرده حکم جهاد دادند گرچه این حکم بواسطه اینکه دولت سیاست بی طرفی را اختیار نموده بود و هم بواسطه همپا نبودن اسباب بموقع اجرا گذارده نشد ولی بر تمایل ملت بجانب آلمان و عثمانی افزود و نفرت از روس و انگلیس را بر زیادت کرد خصوصاً که در جنگ اعراب باتفاق قشون عثمانی برضد انگلیسیان در حدود شط العرب جمعی از روحانیان شیعه تبعه ایران و از مذهب اهدین ایرانی هم شرکت نمودند و هم در حدود آذربایجان در جنگ عثمانیان با روس ایرانیان مشارکت و فداکاری کردند.

۵ - نظر باعلان بی طرفی که دولت داده بود مجبور بود حدود آنرا رعایت نماید یعنی بطرفین متخاصم بیك نظر نگاه کند در صورتیکه آلمان و عثمانی در ایران استعدادی نداشتند ولی روس و انگلیس بواسطه قشون روس در شمال که تا پشت دروازه تهران را اشغال داشت و بواسطه نفوذی که در دولت و ملت داشتند و بواسطه مسائل مالی و غیره خود را مقتدر تر از رقیبان دانسته اولی بتصرف در جمیع امور تصور میکردند و نمیخواستند مغلوبیت آنها از آلمان در اروپا اثرش در ایران ظاهر گردد و با افکار عمومی که برضد آنها بود و به تهیه هائی که آلمانها و عثمانیان برضد آنها میگرفتند اهمیت

نمیدادند و از سختی رفتار خود بادوات نمیگاستند دولت هم بین المحدثورین شدید واقع بود و چاره جز تحمل نمودن برای خود تصور نمیکرد زیرا گمان مینمود اگر بخواهد بهمراهی افکار عمومی متمایل بآلمان و عثمانی گردد روس وانگلیس فوراً مرکز را باقشونی که در قزوین دارند اشغال خواهند کرد و او را محو میکنند و اگر بخواهد بجانبروس وانگلیس برود از مخالفت ملت میترسید و از تنگین شدن در عالم اسلامیت اندیشه میکرد لهذا هیچ اقدام از هیچ طرف جرئت نمینمود.

۶ - قوای دولت عبارت بود از دو قوه ضد یکدیگر یعنی قوه قزاق که کاملاً در دست روس بود و یکقسمت از قشون اجنبی شمرده میشد گرچه در میان قزاقان اشخاص ایرانی وطن پرست هم یافت میشدند ولی همه مقهور دست فرماندهان روسی بودند و از قوه ژاندارمری که صاحبمنصبان سوئدی آن قوه را اداره میکردند و پیش از جنگ اروپا انگلیسها آنها را بخود جلب نموده در عین ائتلاف با روس در مقابل قزاقخانه‌های خود قرار داده بودند و بعد از جنگ آلمانها آنها را بجانب خود کشیدند و در مقابل قزاق واداشتند بلکه حفظ و حراست خود را هم بآنها سپردند و از هیچگونه مساعدت معنوی بآنها دریغ نداشتند اختلاف کلمه مابین این دو قوه بجائی کشید که يك قزاق و يك ژاندارم در يك رهگذر که بهم بر میخورند مثل دو نفر جنگجو بیکدیگر نگاه میکردند و میگذاشتند و بدیبهی است که این اختلاف کلمه از دو قوه نظامی چه اثرات سوء در بحران مملکت دارد.

۷ - متعرض شدن روس وانگلیس در شمال و جنوب بمأمورین سیاسی آلمان و اطریش و عثمانی و گرفتن و تبعید نمودن آنها و بمخاطره انداختن اتباع دول مزبور را در نقاط مختلف مملکت مخصوصاً در شمال و جنوب چنانکه در تبریز و بوشهر و غیره شد بیهانه آنکه آنها مردم را بر ضد ایشان تحریک مینمایند و بدیبهی است این اقدامات در يك مملکت بیطرف تا چه اندازه موجب اختلال امر حکومت و اغتشاش مملکت میگردد خصوصاً که طرف مقابل هم خود را فاتح در جنگ بداند و نتواند این تجاوزات را که در يك مملکت بیطرف از دشمنان خود نسبت بتبعه خویش میشود تحمل کند ناچار است ایرانیان را بیهجان آورده وسیله دفاع از تعدیبات دشمنان را بدست ایرانیان

۸ - اغتشاش مالیّه که کاملاً در تحت نفوذ بلژیکیان رفته گرچه سر و صورتی بداره نمودن آن داده اند ولی باچند کرو و خرچ که در حقیقت فرع زیاده بر اصل میباشد و این اختیارات را قانونی که موسوم است بقانون ۲۳ جوزا و در مجلس شورایی ملی بواسطه اعتمادی که بشوستر آهریکائی خزانه دار ایران داشته اند وضع شده و پس از انفصال قهری او بدست بلژیکیان افتاده و در تحت نفوذ روس و انگلیس در آمده از مصرف نمودن وجوه خزانه دولت در راهبائی که باسیاست آنها منافعی است مانند خرج قشون و راه بردن اداره ژاندارمری خود داری نموده بمسأله میگذرانند و این یکی از اسباب هیجان افکار است که میخواهند دست بلژیکیان را از تصرف در مالیه مملکت کوتاه نموده مالیه را بمصارف الزم برسانند .

۹ - رقابت ایالات بایکدیگر و ترویج این رقابت بواسطه تحریرات اجانب و تعلیمات مختلف که بآنها داده میشود و کمک های مادی و معنوی هر دسته از متخاصمین از ایالاتی که متمایل بآنها است و تأثیرات حکم جهاد در ایالات مخصوصاً ایالات سرحدات عثمانی و حدود غربی و هم اختلاف دودسته که بنام حزب سیاسی مداخله در امور میگردند و هر یک اقدامات دیگری و هر دو اقدامات دولت را بی اثر میگذارند بملاحظات شخصی بنام حزب دموکرات و اعتدال .

و بالجمله بواسطه این اسباب که بعضی از آنها نوظهور و از عوارض جنگ اروپا است و بعضی نتیجه مقدماتی است که در دوره های گذشته چیده شده مخصوصاً در چهار سال فاصله مابین خلع محمد علی شاه و تاجگذاری سلطان احمد شاه مملکت دچار بحران شدید شده است در کابینه هائی که تشکیل میشد اوائل امر تنها ملاحظه ای که بود این بود که از هواخواهان روس و انگلیس هر دو تشکیل شده باشد که موجب دلنگی آن دور قیب که اکنون بایکدیگر بظاهر دست اتحاد داده اند نباشد ولی بعد از ظهور فتوحات آلمان و عثمانی ملاحظه رضایت آنها هم جزو ملاحظات آمده تکلیف تشکیل کابینه مشکل تر گشته است .

میرزا محمد علی خان علاء السلطنه در وقت تاجگذاری رئیس الوزراء بود و

متمايل بانگليسيان پس از تاجگذاري ميرزا حسن خان مستوفي الممالك زمامدار امور گشت وخواست رشته بيطرفي را بدست گرفته جانب همه را رعايت کرده باشد و تا مجلس شوراي ملي دائر نشده بود با مختصر استقامتي کارش پيشرفت کرده بنام پادشاه تازه و دولت جديد صورت انتظامي بامور داد ضمني هم که در کار روس و انگليس در جنگ ظاهر شد و از فشار خود بدولت ايران کاستند او را مدد کرد مستوفي الممالك موفق شد محمد حسن ميرزاي وليعهد را بفرمانفرمائي آذربايجان بفرستد و در عين کشمکش روسها باعثمانيان در آذربايجان اين کار را انجام داد و از نفوذ تام روس در آن ناحيه که حکومت سابق دست نشانده آنها بود اندکي کاسته شد مستوفي الممالك خطبي که کرد و دولت و ملت را دچار رحمت نمود و از استفاده نمودن از جنگ اروپا دور انداخت اين بود که اعلان بيطرفي را بي عوض داد در صورتیکه ميتوانست از هر دو طرف عوض بگيرد .

بعد از رسمي شدن مجلس کابينه مستوفي الممالك دچار زحمت گشت بواسطه آنچه در ماده دوم و نهم بدان اشاره شد و بالاخره منفصل گردیده ميرزا حسن خان مشير الدوله کابينه را هر کب از اشخاصي متناسب بايکديگر تشکيل داد مشير الدوله از اشخاصي تحصيل کرده تربيت شده اين عصر است در جلد اول اين کتاب بمناسبت انقلاب ادبي ايران و در جلد دوم بمناسبت انقلاب سياسي مکرر نام برده شده مشير الدوله ببرد کار آگاه و اداره کننده است و لکن جرئت و جسارتش بقدر کافي نيست يا آنکه احتياط و محافظه کاريش زياد است بهر صورت مشير الدوله بچابکي کابينه خود را تشکيل داد اما اين کابينه جوان در ابتدای تشکيل تصادف کرد با فشار تازه بي از طرف روسها که قشون جديدی بسرحدا نزلی وارد کردند و به تجاوزی که از طرف مغرب از عثمانيان شده عده بي قشون بقصر شيرين فرستادند و اولين دفعه است در سالهاي آخري که عثمانيان از راه خانقین قشون بايران فرستادند کابينه مشير الدوله سعی کرد عثمانيان را بر گرداند اما آنها بقصد برگشتن نيامده بودند بلکه قصدشان اين بود مددی بقوه آلmani عثمانی که در ايران تشکيل ميشود داده بالاخره ميدان وسيع ايران را براي دشمنان خود بي معارض نگذارند اين بود که باز گشت خود را بخالي شدن جنوب و شمال ايران

یکسال وقت کم شده

از عساکر روس و انگلیس موکول نمودند روس و انگلیس هم اطمینان نداشتند اگر ایران را تخلیه نمایند ایرانیان خود بتوانند مقامات خویش را نگاهداشته مملکت جایگاه دشمنان آنها نگردد. بهر صورت تجاوز عساکر عثمانی از این سرحد و اقدامات او در آذربایجان و موافقت ایرانیان با عثمانیان مخصوصاً روحانیان در عراق عرب و اقدامات جدی کارکنان آلمانی در نقاط مختلف ایران و در مرکز و فتوحات پی در پی آلمان در میدانهای جنگ مخصوصاً در جنگ باروس و موفق نشدن قوای انگلیس و فرانسه بگشودن

راه داردانل با سعی عظیم و خسارت

کلی بضمیمه حس انتقاهی از روس و انگلیس که در دماغ جوانان ایرانی تولید شده روز بروز بر نفوذ آلمان در ایران افزوده ولی در دربار بواسطه سبقت مقام روس و انگلیس تأثیر شدیدی نکرد مشیرالدوله اول میخواست از بروز این افکار در مرامت و از عاقبت اندیشی انگلیسها یعنی از ضدیت معنوی انگلیسها با روس استفاده کرده بدست انگلیسیان وسیله استفاده‌ئی از اوضاع حاضر برای ایران فراهم آورد اقساط قروض دولت را باین دو همسایه در مدت جنگ پردازد و از این راه تدارک



مشیرالدوله

قشونی بگیرد ولی روس و انگلیس که قشون ایران را منحل شده تصور میکردند با این خیال همراهی نکردند سفیر کبیر عثمانی هم که دارای سیاست نیکوئی نمیباشد و بواسطه غیبت وزیر مختار آلمان ژمارمادار سیاست آلمان هم هست با مشیرالدوله در این موضوع

## فصل سی و دوم

موافقت نکرد و دو طرف از او ناراضی ماندند مجلس هم با کمال اظهار اعتمادی که بوی داشت آنطور که باید با او همراهی کند نکرد. بملاحظه دموکراتها کم جرمتی خودش هم دخالت کرد و مشیرالدوله بعد از دو ماه استعفاء داده بکنار رفت.

بعد از مشیرالدوله میرزا جوادخان سعدالدوله که مکرر نام او برده شده است و یکی از هواخواهان روس و انگلیس است بخیال ریاست دولت افتاد وزیر مختار روس و انگلیس هم حامی او بودند و بشاه جوان اصرار میکردند او را انتخاب نماید و مسلم بود که بانتخاب او اساس مجلس متزلزل و قوه ژاندارمری ضعیف یا منحل میگردد و بر حیات تازه ایرانی فشار سختی وارد میشود و بالاخره مقاصد روس و انگلیس از مقاصد دشمنان ایشان در ایران پیش میفتد این بود که قوای ملی از مجلس و احزاب و غیره و قوای اجنبی ضد روس و انگلیس دست اتفاق داده دوره ریاست وزراتی سعدالدوله را نگذارند از يك شبانه روز تجاوز کند و چون کسی در میدان نبود برای تصدی این کار که بتوانند او را بپذیرند مگر شاهزاده عینالدوله عبدالمجید میرزا این بود که بریاست او راضی شدند و شاه سعدالدوله را بدل بعینالدوله نمود عینالدوله رئیس الوزراء شد و مجلس ملی ریاست او را باتفاق پذیرفت برای اینکه پای سعدالدوله در میان نیاید در صورتیکه دموکرات ها طرفدار ریاست مستوفی الممالک بودند.

خلاصه عینالدوله رئیس الوزراء شد و پیش از هر کار فرمانفرما عبدالحسین میرزا را که از دوستان روس بود برای وزارت داخله انتخاب کرد فرمانفرما مورد بدگمانی ملیون تندرو بود و رضایت وزارت او نداشتند ولی دست روس و انگلیس که در ساختن کابینه عینالدوله دخالت داشت از افکار تندروان ملاحظه نکرد اعتدالیون هم که نمیخواستند مستوفی الممالک رئیس گردد تا دموکراتها قوت نگیرند با عینالدوله موافقت کردند با فرمانفرما هم دم خور بودند و او خود را از اعتدالیون میدانست بهر صورت اضطراب خاطر ها از سعدالدوله و ریاست او بحدی بود که نه تنها عینالدوله را که مورد هزار انتقاد ملی بود پذیرفتند بلکه بکابینه متمایل بروس و انگلیس هم که تشکیل داد بناچار رضای او دادند عینالدوله خبط بزرگ کرد که فرمانفرما را در کابینه خود پذیرفت زیرا سیاست فرمانفرما مقتضی طرف شدن ایران با عثمانی بود و

یکسال وقت کم شده

در اجرای خیال خود جد و جهد داشت و مسلم بود بیش از یکی دو ماه طول نمیکشد که ملیون بافرمانفرما مدعی شده عین الدوله ناچار خواهد بود خود را باملت طرف نماید و بالاخره از کار یفتد اما فرمانفرما آرام نگرفت تا اسباب طرف شدن قوای مجتمع شده در کرمانشاهان و کردند را باقوه بی از عثمانیان که بریاست حسین رؤف بیک داخل خاک ایران شده بود فراهم آورد در کردند جنگی کردند و خسارت کلی بدو طرف رسید و بالاخره باقراردادی قشون عثمانی بسرحد مراجعت نمود پس از این واقعه حزب دموکرات که برای از کار انداختن فرمانفرما منتظر فرصت بود موقع بدست آورده او را در مجلس شورای ملی تحت استیضاح کشیده مقصودش نمودند عین الدوله مجبور شد برای نگاهداری فرمانفرما در صورتیکه باطناً هم از وی دلتنگ بود رئیس الوزرائی خود را که بسیار باو علاقه داشت فدا نماید و شاید فرمانفرما برای تنها از کابینه عین الدوله بیرون رفتن بر قوای اجنبی خود هم متوسل شده باشد و آنها هم عین الدوله را مجبور کرده باشند یا خودش هم استعفاء بدهد یا فرمانفرما را نگاهدارد .

کار دولت باز دچار بحران گشت روس و انگلیس و حزب اعتدال میکوشیدند مجدداً عین الدوله بر سر کار بیاید و دموکراتها سعی میکردند مستوفی الممالک رئیس گردد آلمان و عثمانی هم باین کار مایل بودند مستوفی الممالک هم نظر باشکالات بسیار که در کار بود زیر بار ریاست نمیرفت بالاخره همه راضی شدند که باز مشیر الدوله کابینه را تشکیل نماید مشیر الدوله از حزب دموکرات ناراضی بود و تصور میکرد در ایام ریاست او با او همراهی نکرده بلکه کار شکنی کرده اند و هم از طرف روس و انگلیس نگرانی داشت این بود که دخول خود را در کار موکول میکرد بشرکت مستوفی الممالک و عین الدوله که بواسطه بودن مستوفی الممالک از تعرض دموکراتها محفوظ باشد و بواسطه بودن عین الدوله روس و انگلیس آرام بگیرند و روس و انگلیس پرستان هم بجای خود بنشینند ولی این کار صورت نگرفت و بالاخره مشیر الدوله هم که تشکیل کابینه را پذیرفته بود استعفاء داد و مدتی در این احوال خطرناک مملکت بی وزیر مسئول بود و خاطر شاه بی نهایت مکدر عاقبت مستوفی الممالک بمیدان آمده تشکیل کابینه را بعهده گرفت و دوسه نفر از اشخاص ملت خواه را داخل کرد و مجبور شد



دوسه تن از دوستان روس و انگلیس راهم شریک نماید بهر حال کابینه مستوفی الممالک وقتی تشکیل شد که کار بی پولی دولت بانتهای رسیده بود اداره سلطنتی برای مخارج یومیهایش معطل بود ادارت هریک شش هفت برج طلبکار و اغلب در حال تعطیل بودند تمام امور مختل و معطل بود و سیاست خارجی در اشتغال فوق العاده مخصوصاً از طرف روس و انگلیس که نگرانی شدید حاصل نموده بودند.

روس و انگلیس از ریاست مستوفی الممالک و خصوصاً که وزارت داخله را هم بعهد خود گرفته و معاونت خود را در آن وزارتخانه بمیرزا سلیمان که از کارکنان حزب دموکرات بود و اختیار ژاندار مری هم باوزارت داخله است نگران مانده دولت را در حال تمایل بمخالفین خود دانسته خصوصاً در اثر فتوحات آلمان و اطریش راه برلن باسلامه بول و بممالک شرقی بواسطه برطرف شدن دولت صرب از وسط بالکان باز و وسائل رسیدن قشون و اسلحه بایران از طرف آلمانها فراهم شده تحریکات آلمانی در جنوب و غرب رومره برضد روس و انگلیس در افزایش است کمیته دموکرات ایرانی که در برلن بریاست آقا سید حسن تقی زاده با آلمانها بظاهر بست و بنفد کرده اشخاصی را بایران فرستاده مشغول تحریکات برضد روس و انگلیس میباشند در اینصورت البته آنها هم آرام نمیگیرند و درصدد هستند بر قوای خود در ایران بیافزایند این بود که بتدریج شروع بعملیات نمودند.

از طرف دیگر مستوفی الممالک با عثمانی و آلمان و اطریش داخل پاره‌های مذاکرات شد و از روس و انگلیس تقاضا کرد اقساط قرض خود را در مدت جنگ نگیرند و خواست خطائیرا که در موقع دادن اعلان بی طرفی نموده جبران نماید بلکه باین وسیله گشایشی در کار دولت شده از عسرت شدید که بود در آید از طرف دیگر شاه را ترسانیدند که روس و انگلیس میخواهند (اگر شاه با آنها موافقت ننماید) شعاع السلطنه پسر مظفرالدین شاه را که از دوستان آنها است بجای او بسلطنت برسانند باین واسطه شاه هم بطرف آلمان و عثمانی تمایل شد و فتوحات بی دریغ آلمانی هم این افکار مخالف روس و انگلیس را در دولت و ملت قوت داد بر اضطراب خاطر آنها افزود ولی کارهنوز بی برده نشده بود و معلوم نبود بچه صورت این معما حل خواهد گشت

یکسال وقت کم شده

در این احوال مستوفی الممالک و کسانیکه در کابینه او محرم بودند یعنی میرزا صادق خان مستشار الدوله و وزیر پست و تلگراف میرزا ابراهیم خان حکیم الممالک و وزیر علوم میرزا حسن خان محتشم السلطنه و وزیر خارجه سرادصد بستان قراردادی با آلمانها شدند اما بزودی روس و انگلیس پی بردند و آن کارنا تمام بماند چیزی که روس و انگلیس را منع میکرد بر ضد کابینه مستوفی الممالک اقدامات علنی بنمایند همانا مایوسی آنها از طرف شاه بود که او بیچوجه برای تغییر دادن مستوفی الممالک حاضر نبود و ناچار بودند مدارا نمایند ولی عین الدوله و فرمان فرما دقیقه بی آرام نمیگرفتند و از طرف دوستان خارجی خود هم تحریک میشدند مخصوصا فرمان فرما

وزرای روس و انگلیس پرست کابینه هم که دانستند پاره بی مذاکرات سری در کراست که بی اطلاع آنها میشود دلتنگ شده بنای کارشکنی را از ریاست مستوفی - الممالک گذاردند این بود که دولت بی نهایت مشوش گشت و هر ساعت ترصد یک انقلاب شدید میرفت - خصوصا که پی در پی بر قوای روس در رشت و انزلی افزوده بقزوین سوق داده میگشت و از ولایات غربی و جنوبی از علمه و اعیان و از رؤسای ایلات و عشائر تلگرافات لایق قطع بدولت میرسید که تکلیف آخرین را همین نمایند و تصمیم دولت معلوم گردد و همه انتظار داشتند دولت بی طرفی را بطرفداری از آلمان و متحدین او مبدل نماید این حال دوام کرد تا محرم یک هزار و سیصد و سی و چهار ۱۳۳۴ در رسید و اوضاع دگرگون گشت .

## فصل سی و سوم

### انقلاب سریع و مسافرت فوری

محرم یکم هزار و سیصد و سی و چهار ۱۳۳۴ در رسید و هلال این ماه برای تهرانیان بلکه عموم ایرانیان وحشتناک و پدیدار. قشون روس از قزوین رو بتهران آمد قشون تازه از روسیه پی در پی در انزلی پیاده و رو بقزوین روانه شد مذاکرات سیاسی دولت ناتوان ایران در گوش سنگین نمایندگان روس و انگلیس بی نتیجه ماند و مصمم شدند این دفعه بدون تردید قشون بتهران وارد کرده دولت را مجبور نمایند مقاصد آنها را جاری کند چه بعد از باز شدن راه صرب باستانبول و موفق شد آلمان و متحدین او برساندن قشون و اساعه بممالک شرقی و بالجمله باز شدن راه هندوستان بروی آلمان انگلیسیان سخت مضطرب گشتند اقدامات آلمان و عثمانی هم در جنوب و مغرب ایران در برانگیختن و مسلح کردن ایرانیان بر ضد روس و انگلیس یکی از اسباب اضطراب آنها بود شکستهای فاحش قشون انگلیس در بندر فارس بدست تنگستانیهای ایرانی و مجروح شدن قنصل انگلیس در اصفهان بدست مجاهدین و ترک نمودن کلیه تبعه روس و انگلیس شهر اصفهان را بتحریرات آلمانها و کشته شدن نائب قنصل انگلیس در فارس و افتادن راه خانقین بدست آلمانها بوسیله ژاندارمری ایرانی و صاحب منصبان سوئدی اینها همه سبب مزید اضطراب خاطر انگلیسیان شد و بعلاوه احساسات ایرانیان جوان را بر ضد خود و بر مساعدت با آلمان میدیدند اشخاصی از رجال دولت هم که نمیخواستند مستوفی الممالک بر سر کار باشد و جایگاه او را آرزو داشتند آتش اضطراب خاطر روس و انگلیس را دامن میزدند در این حال رسیدن ایام عاشورا را بپایان کرده بآنها وانمود کردند در این ایام قوای ملی ایرانیان که خود را در تهران تمرکز میداد اهوریت پیدا نموده در ایام عاشورا بسفارتخانههای آنها و متفقینشان حمله خواهد آورد و آنها را بتلافی آنچه روس و انگلیس در جنوب

### انقلاب سریع و مسافرت هوری

و شمال با مأمورین آلمانی و عثمانی کردند دستگیر خواهند نمود این تحریکات در افکار مضطرب روس و انگلیس سبب شد که قشون زیادی بایران و بتهران وارد کرده سفارتخانه‌های خود را محافظت نمایند و باین وسیله دولت را مرعوب سازند که از تحریکات آلمانی و عثمانی و از بروز احساسات ایرانی برضد آنها جلوگیری نماید در صورتیکه دولت نه استطاعت این کار را داشت و نه حاضر بود این اقدام را بکنند زیرا شاه از تجاوزات روس و انگلیس بجان آمده بروز احساسات ایرانیان جوان برضد آنها و اقدامات جنگجویانه‌ها در سیان و نقاط دیگر هم او را اندکی از مرعوبیت که داشت در آورده بعلاوه مستوفی الممالک هم از مساعدت آلمان و عثمانی اورا تایید حد امیدوار کرده است در این صورت بدیبهی است برضد آلمان و عثمانی یعنی برضد احساسات ملت اقدامی نمیکرد و اگر میکرد هم باز مینه‌هایی که در جنوب و مغرب مملکت حاضر شده بود نتیجه نداشت از طرف دیگر اقساط قرض روس و انگلیس را که دولت بآنها قبولانیده در مدت جنگ اروپا معاف باشد و آنچه را هم که از ابتدای جنگ تاکنون گرفته‌اند رد نمایند قسط اولش را دادند بشرط اینکه دولت از تحریکات آلمان و عثمانی جلوگیری نماید دولت هم که بی‌نیازیت محتاج گرفتن وجه بود این شرط غیر مقدور را قبول کرد و بهانه بدست روس و انگلیس داد برای گرفتار کردن اشخاصی که در تهران برضد افکار آنها کار میکردند چه از ایرانیان وطن پرست که ادای وظیفه میکردند و چه کسانی که بتحریر آلمان و عثمانی اقدامات مینمودند .

تهرانیان هم که واقعه قائله عاشورای یک‌هزار و سیصد و سی (۱۳۳۰ هـ) تبریز را بواسطه ورود قشون روس بدان شهر فراموش نکرده بودند از نزدیک شدن قشون روس بتهران در اضطراب شدید افتادند شخص پادشاه جوان هم که میدانست اشخاصی در خانواده خودش هستند که بار و سها هم دست میباشند و شاید در این انقلاب آنها بطمع تخت و تاج بیفتند از مقام سلطنت خود نگران ماند ولی با استقامتی که زیاد از استعداد سن او بود خود داری میکرد و گاهی سخنان درشت هم بنمایندگان روس و انگلیس میگفت مستوفی الممالک هم هر چه میتوانست او را قوت قلب میداد .

اول محرم که قشون روس از قزوین بجانب تهران حرکت کرد آنرا اضطراب در مردم

هویدا گشت نمایندگان عثمانی و آلمان و اطیش سفارتخانه‌های خود را خالی کرده بیرق دولتهای بی طرف را بر سر عمارتهای سفارتخانه‌ها نصب کردند و با يك قرارداد سری که باشاه و مستوفی الممالک دادند و دیگری خبردار نبود مضمم شدند تهران را ترك کرده بشهر دیگر بروند دولت هم پایتخت خود را باصفهان تبدیل نماید.

مستوفی الممالک که میدانست اگر قشون روس وارد تهران شود با اشخاص وطن پرست بعنوان جلوگیری از تحریکات آلمانها تعرض خواهد کرد و شاید واقعه خونین تبریز در تهران تجدید گردد و بکلی رشته امور منفصل شود این بود که روز اول محرم محرمانه جمعیتی را واداشت از تهران خارج شده در قم اقامت کرده آنجا بعنوان دفاع ملی قوه جمع آوری نمایند میرزا سلیمان خان معاون وزارت داخله که بستگی تام بمستوفی الممالک دارد و اداره ژنندارمری هم باو سپرده است بعلاوه با آلمانها هم روابط سری دارد از آن اشخاص بود که حرکت کرد.

کمیته مرکزی فرقه دموکرات هم که مورد بدگمانی روسها بود تهران را ترك نمود بعد از ظهر روز اول محرم از طرف رئیس الوزراء بطور خصوصی بنگارنده بیغامی رسید که تکلیف خود را بعد از رسیدن آن بیغام چنان دانستم بی درنگ از تهران حرکب نمایم این بود بدون هیچگونه تهیه حتی کتابها و نوشتجات روی میز تحریر خود راجمع نکرده مهیای حرکت شدم و روز دوم محرم بعد از ظهر باهل و عیال از تهران خارج شده بجانب قم روانه گشتم.

گرچه عنوان مسافرت این بود که برای زیارت عاشورا بقم میروم ولی باخبران میدانستند سفر اضطراری است که من بآن اقدام کرده‌ام بهر صورت در راه قم جمعیتی از دوستان را دیدم که مانند من ترك یار و دیار کرده بجانب قم میروند روز سیم محرم وارد قم شده باتمسیر حوادث تهران نشستیم و بی درپی دوستان و آشنایان وارد گشتند. و اما در تهران شب دوم محرم که از طرف دولت مکرر بسفارت روس وانگلیس بیغام رفت و از علت این حمله قشون روس پایتخت استفسار شد جواب دادند بواسطه انقلاب شهر در ایام عاشورا احتمال می‌رود تعرضی بسفارتخانه‌های ما بشود از این سبب قشونی در نزدیکی تهران حاضر نگاه میداریم که وسیله امنیت بوده باشد و قشون مزبور

### انقلاب سریع و مسافرت فوری

ازینگی امام که نیمه راه قزوین بتهران است تجاوز نخواهد کرد پاره‌ئی از دولتیان کوته نظر این سخن را باور کرده مردمی را که بی در پی در دربار جمع شده تکلیف میطلبیدند آرام نمودند اما این اغفال بیش از چهار روز طول نکشید و روز پنجم مقدمه قشون ازینگی امام بجانب کرج و شاه آباد که چهار فرسخی تهران است حرکت کرد. روز هفتم محرم یکهزار و سیصد و سی و چهار (۱۳۳۴هـ) یکی از روزهای بزرگ تاریخی ایران شد روز مزبور روز مبارزه سیاسی دولت جوان ایران با دولتیان روس و انگلیس و متفقین آنها شد اتانیه سلطنتی برای نقل و تحویل دادن پایتخت جمع آوری شد از طرف شاه بدربارلندن و بطرو گراد تلگراف شد که چون بدون ملاحظه و بدون هیچ جهت قشون روس بطرف پایتخت من میآید لازم دانستم پایتخت خود را تغییر بدهم منبعدهر اتفاقی بیفتد دولت ایران مسئول نخواهد بود سفرای دول آلمان و اطریش و عثمانی از تهران خارج شدند جمع کشیری از رجال دولت و ملت تا آنجا که توانستند و وسائل حمل و نقل فراهم بود تهران را ترک نمودند انقلاب شدید در شهر هویدا گشت اداره ژاندارمری بجانب قم روانه شد ژاندارم و پلیس از دم ارك همایون تا بدروازه حضرت عبدالعظیم صف کشیدند کالسکه سواری شاه را حاضر کردند بوسیله تلگراف بیاد ایران خبر داده شد که شاه پایتخت خود را عوض مینماید انقلاب بتمام مملکت سرایت کرد خلق در تلگرافخانه ها جمع شدند و بانهایت بی اختیاری انتظار خبر مرکز را میکشیدند.

مردم تهران که قطع داشتند بمحض خارج شدن شاه از تهران قشون روس از از شاه آباد وارد شهر شده اشرار شهری با آنها همدست گشته از هیچگونه بی انتظامی فروگذار نخواهد شد بینهایت در وحشت و اضطراب بودند.

و بهر صورت بعد از ظهر روز هفتم شاه صمصام السلطنه بختیاری و محمد ولیخان سپهدار را که دومی نام وزارت جنگ دارد مأمور کرد بسفارتخانه روس و انگلیس بروند و رسماً اطلاع بدهند که پایتخت دولت تبدیل باصفهان میشود و از تلگرافی که بدربارلندن و بطرو گراد شده آنها را خبردار نمایند.

دو فرستاده دولت که رسالت خود را انجام دادند موجب اضطراب خاطر و

نماینده روس و انگلیس شده خواهش کردند شاه حرکت خود را بتعویق اندازد تا آنها شرفیاب گردند و بی فاصله خود را بدربار رسانیده خواستند حضور شاه بروند بار - نیافتند بالاخره سپهدار بالتماس شاه را راضی کرد که مجلسی بشود با دوسفیر گفتگو نمایند و شاه حرکت خود را تعویق بیندازد این بود که مجلسی هر کب از مستوفی الممالک مشیرالدوله مؤتمن الملك عین الدوله سپهدار تشکیل نتیجه این شد که شاه حرکت نکند و قشون روس به ینگی امام برگردد و دولت با دوسفیر داخل مذاکره بشوند و تعهدات آنها را سفارت امریکا ضمانت کند جمعی از وزراء و رجال دولت که طرفدار سیاست روس و انگلیس هستند از عجز و لایه و گریه وزاری هم نزد شاه برای انصراف خاطر او از مسافرت کوتاهی نکردند و بالجمله پیش خانه شاه را که حرکت کرده بود برگردانیدند و جمعی از رجال که بحضرت عبدالعظیم رسیده بودند بازگشت نمودند سفیر روس و انگلیس در همین حال عضویت رسمی عین الدوله و فرمانفرما را در کابینه از دولت درخواست کردند مستوفی الممالک هم که صلاح را در امرار وقت میدانست بفرمانفرما وزارت داخله را که خود اداره میکرد واگذار نمود و لکن اسم بی رسم زیر فرمانفرما راجع بممالک جنوب و غرب نمیتواند امری صادر نماید و در شمال هم حکومت تابع سیاست روس است پس وزارت داخله او معنی ندارد و عین الدوله را هم عضو مشاور کابینه قرار داده.

و بالجمله در این انقلاب یکقسمت مهم از نمایندگان مجلس ملی که بنصف بالغ میشد بقم و به نقاط دیگر مسافرت کردند مجلس ملی تعطیل قهری شد سیاست باطنی دولت یعنی شخص شاه و مستوفی الممالک بکلی مستور ماند.

در صورت ظاهر با نمایندگان روس و انگلیس معاشات میکردند با اصرار باینکه قشون روس بتزوین لا اقل مراجعت نماید ولی نمایندگان مزبور بوعده خود که قشون از کرج به ینگی امام بازگشت کند هم وفا نکردند گاهی عده میرفتند و باز بر میگشتند و دائماً بر ازدیاد قوای خود میافزودند در این حادثه رؤسای ایل بختیاری که در تهران بودند از همه بهتر مهبای خدمت بدولت شده ضدیت خود را بادشمنان دولت آشکار کردند جمعی از تجار و کسبه و از اشخاص مختلف از مردم تهران هم بقم آمدند یاره

## انقلاب سریع و مسافرت فوری

بواسطه اینکه خود را در مخاطره دیدند و پاره‌ئی برای اینکه خویشان را در انتظار مردم مخالف روس و انگلیس قلمداد کنند گرچه واقعیت نداشته باشد پاره‌ئی هم برای جاسوسی حرکت کردند .

باز در تهران روز هفتم محرم ابلاغیه‌ئی از طرف سفارت روس طبع و نشر شد بمضمون ذیل :

سفارت امپراطوری با اطلاع عموم میرساند اینکه دولت امپراطوری روس اقدام باعزام قشون کثیر بایران نموده فقط محض جلوگیری از دسائیس محرکین آلمانی و اطریشی و عثمانی است که در این اواخر باندازهٔ تحریکات آنها از حدافزون شده که امنیت و سکونت ایران را فوق العاده تهدید مینماید

منصود دشمنان ما در ایران از این تحریکات این است که مناسبات و ادیه و روابط دوستانه که از قدیم الایام فیما بین دولتین روس و ایران برقرار بوده محو و نابود سازند. چون هر گونه تشبثات و تدابیر برای حصول اتحاد کامل با دولت شاهنشاهی و جلوگیری از اقدامات فریب آمیز طلای آلمانی ابدأ فائده نکرده و نتیجه نبخشید و همچنین دولت امپراطوری نخواست مقابله بمثل نموده بهمان وسائلی که دشمنان ما از قبیل رشوه دادن و تحریکات که بالاخره طبعاً مملکت را بحال ناامنی و اغتشاش سوق میداد اتخاذ نمودند اقدام نماید لذا دولت امپراطوری مجبوراً با تحمل مخارج بدینوسیله توسل جست که باین تحریکات منخر به آلمانیها و اطریشها و عثمانیها خاتمه بدهد .

دولت امپراطوری امیدوار است که بوسیله این اقدام امنیت در ایران برقرار و روابط حسنه مابین دولتین روس و ایران را مستحکم کرده آسایش و منافع هر دو مملکت را تأمین نموده موجب دوام سلطنت خوشبختانه اعلیه حضرت شاهنشاهی را فراهم آورد.

با خط جلی

تمام ایرانیان دوست ما بدانند اسلحه قشون روس برضد آنها و خانواده‌شان و منازل آنها و سایر دارائی ایشان استعمال نشده و از قشون روس که در واقع اسباب و وسیله امنیت ایران که بواسطه تحریکات در حال اضطراب است میباشد هیچگونه خطری مخصوصاً نسبت بمردم صلح طلب نخواهد بود و در هر موقع قشون ما برای خرید



آذوقه لازم تقدماً قیمت آنرا خواهند پرداخت .

بخط ریز

قشون روس فقط برای محرکین آلمانی و اطریشی و عثمانی و اشخاصی که برای جلب منافع غیر مشروع با دشمنان ما متحد شده و این فقره مدلل میدارد که برضد دولت اهر اطوری روس و متحدین او قیام کرده اند مخوف و هولناک میباشد .

پیش از اینکه این بیان نامه را نشر بدهند بیان نامه می نزدیک باین مضمون فرستادند شاه دستخط نموده از طرف دولت نشر گردد ولی شاه آن ورقه را بدور انداخته امضاء نکرد این بود که سفارت روس خود این بیاننامه را نشرداد و سوء تأثیر کرد چه افکار عمومی کاملاً برضد روس و انگلیس است و این بیاننامه بعد از تجاوزات استقلال شکنانه که در سالهای آخر از دولتین روس و انگلیس در ایران شد و خلف وعده هایی که از آنها دیده شد جای شبهه برای کسی باقی نماند که روابط حسنه آنها بامار وابط حسنه گرگ بامیش است و ایرانیان دیگر فریب این دسیسه ها را نباید بخورند این بیاننامه برای آسایش خاطر معدودی از روس و انگلیس پرستان مفید است که بدانند دوستی آنها با روس و انگلیس در این موقع آنها را از خطر نگاهداری خواهد کرد و بالجمله از این بیاننامه نیکو هویدا میشود که روسها بملت و دولت ایران باچه نظر حقارت آمیز منیگرند . اینک نظری باوضاع قم - مهاجرین تهران که بقم رسیدند رؤسای فرقه دموکرات که قوه زاندارمری را در دست خود میدیدند و روابطی با سفارت آلمان و عثمانی احراز کرده بودند بی درنگ کمیته می بنام کمیته دفاع ملی تشکیل داده اورا قی منتشر ساختند و اشخاصی را بولایات فرستاده با اقدامات لازم قیام کردند در صورتیکه مردم کاردان کار کن در میان آنها بسیار کم بود از طرف دیگر جمعی از رؤسای اعتدالیون و فرقه های دیگر و اشخاص منفرد هم برای اینکه از ملیون عقب نمانند یا از روی وطن پرستی در قم جمع شدند و چون دیدند رشته امور بدست فرقه دموکرات است و بدیگران رخنه نمیدهند دل تنگ شده رقابتی که بنام اختلاف حزبی در تهران بود در قم بروز کرد اما خیر خواهان بمیان افتاده نگذاردند چندان اثر بر این اختلاف مترتب گردود نمایندگان مجلس شورای ملی هم که در قم بودند هیئتی تشکیل داده از میان خود کمیته چهار نفری مرکب از نمایندگان دستجات

## انقلاب سریع و مسافرت فوری

مختلف انتخابات کردند و این کمیته تا یک اندازه در کارها با کمیته مرکزی دموکرات شرکت یافت و به همین سبب از اختلاف جلوگیری شد ولی باز اساس محکمی پیدا نکرد. روز هفتم محرم همین که از تهران خبر عزم حرکت شاه بقم رسید مهاجرین که انتظار این خبر را داشتند بگرفتن تهیه ورود شاه پرداختند حاکم قم که شاهزاده متمدن الدوله نواده عباس میرزای نایب السلطنه قاجار است و از پیروان حزب دموکرات بکار افتاده جمعی از رؤسای قم را بدار الحکومه دعوت کرد متولیباشی قم هم که اول شخص متمول بانفوذ آن شهر است بترغیب بعضی از ملیون در آن مجلس حاضر شد پس از مذاکرات تهییج آمیز حاضرین بیست اجتماع بصحن آمدند روحانیان قم همه از طرف حکومت در صحن مقدس دعوت شده حاضر گشتند مجلس بزرگی منعقد شد یکی از روحانیان قم ابتداء بمنبر رفته عزم شاه را در تغییر پایتخت ب مردم خبر داده مردم را بجهاد در راه دین و حفظ بیضه اسلام ترغیب نمود و بالاخره نگارنده بمنبر رفته وظیفه خود را در چنین مقام ادا نموده حاضرین این مجلس که جمعی کثیر از مردم قم و جم غفیر از زوار متفرقه بودند از وقایع تهران باخبر گشتند و هیجان شدیدی در خلق پدیدار گشت غافل از اینکه نقشه در تهران تغییر یافته و کمیته دفاع ملی دیگر رابطه‌ی بادولت مرکزی نخواهد داشت با وصف این کمیته مزبور مشغول کار خود شد و هیئتی برای جمع آوری اعانه و تدارک دفاع ملی منعقد نمود اما بواسطه اغراض خصوصی بعضی از مردم قم و پاره‌ی ازم مهاجرین که از اقدامات دموکراتها دلخوش نبودند از آن هیئت کاری ساخته نشد و اعتدالیون اشتها را دادند که روحانیان قم مساعدت با این اقدامات ندارند چونکه این اقدامات بتوسط دموکراتها میشود و بصحت عمل آنها اعتمادی نیست بهر صورت از قم کاری ساخته نشد و نباید هم ساخته شود زیرا مردم قم بواسطه هزار مقدس عادت با استفاده کردن نموده‌اند و از آنها توقع فائده رسانیدن نباید داشت. اما در ولایات - در ولایات جنوبی و غربی که نفوذ روس و انگلیس کم یا معدوم بود هیچانی بروز کرد در همه جا بجمع آوری قوای ملی شروع نمودند اما نه چندان که بتوان بر آن اقدامات تکیه داد دموکراتها انتشار میدادند تغییر پایتخت و نقشه مخالف روس و انگلیس و حرکت شاه موقتاً تأخیر شده و برعکس آنها اعتدالیون

### فصل سی سوم

شهرت میدادند نقشه بکلی عوض شد و عملیات دموکراتها مخالف نظر دولت میباشد و بهر صورت تشتت آراء وافکار زیاد شد .

در این حال نگارنده مصمم شدم از قم بشهر دیگر بروم در میان بلاد غربی بروجرد را انتخاب کردم چونکه تصور میکردم تحصیل قوه در آن ناحیه بواسطه ایلات فراهم تر از دیگر بلاد است وهم بواسطه آنکه اقارب عیال من در بروجرد اقامت دارند عزم کردم عیال و اولاد خود را بآن شهر برده زمستان را در آنجا آسوده باشند و خیال من از طرف آنها راحت باشد این بود که روزیستم محرم یکم هزار و سیصد و سی و چهار ۱۳۳۴ از قم با خانواده بجاناب عراق و بروجرد روانه گشتم .

## فصل سی و چهارم

### مسافرت و حوادث جنگی

در این روز که من از قم بجانب عراق بیروم پرنس ریس وزیر مختار آلمان هم که از تهران بقم آمده است بجانب کرمانشاه روانه میشود وزیر مختار مزبور یکی از شاهزادگان محترم آلمان است حرکت او از قم برای این بود که در تهران بعد از تغییر نقشه مذاکره بوده است یکی از وزراء بقم آمده او را بتهران برگرداند گرچه اینکار شدنی نیست و لکن تا بدولت اطمینان بدهد که بآوردن قشون روس در حوالی تهران ممکن نیست او در تهران بماند از قم هم دورتر شد و دیگر آنکه شهرت یافت که روس وانگلیس یادداشتی بدولت داده اند که چون قنصلهای ما را از همدان بیرون کرده اند ما ناچاریم همدان را خراب کنیم و یک اردوئی در عراق نگاهداریم وزیر مختار آلمان احتیاط کرد مبدا قشون روس از طرف قزوین بعراق برسد و برای او مخاطرهئی پیش آید و بهر حال عقب نشینی وزیر مختار مزبور برای ملیون یأس آور بود خصوصاً که از اظهار ناامیدی کردن از دولتیان هم خودداری نداشت. در ایستگاههای راه عراق چون سابقه آشنائی با پرنس ریس داشتم راجع بکارهای ایران گاهی با هم صحبت میداشتیم بسیار دلننگ بود و میگفت جنبش ایرانیان برای مدافعه ملی باید بهتر از این که هست بوده باشد گفتش سالها است ایرانیان را اغفال کرده احساسات سلحشوری آنها را محو نموده اند و تا از تحت مرعوبیت در آیند وقت لازم خواهد بود از اوضاع جنگ اروپا و فتوحات محیر العقول آلمانها و اینکه مهمات جنگی بسیار بایران خواهند فرستاد پرسیدم تا چه اندازه حقیقت دارد گفت اغراق آمیز است بهر صورت پرنس ریس از تغییر یافتن نقشه در تهران خبردار بود و مأیوسانه بجانب کرمانشاهان و بلکه بطرف بغداد میرفت و بعد معلوم شد که از ایران خارج خواهد شد یعنی م-موزول میشود و دیگری بجای او میآید چون عملیات سیاسی او بی نتیجه مانده است و اما مسئله همدان

و بیرون کردن قنسولهای روس و انگلیس و عات آن.

در این مقام ناچاریم چند ماه زمان را برگردانیم و مسئله کرمانشاهان را که در فصل پیش اشاره کردیم مفصل بنماییم تا مسئله همدان را بتوان درست فهمید. مسلم است جنوب و مغرب ایران داخل نقشه جنگ اروپاست بملاحظه راه آهن بغداد که میخواهد خود را از راه خانیان به تهران رسانیده بالاخره قشون آلمان از راه ایران بافغانستان و هندوستان برسد.

در ابتدای شروع بعملیات در ایران لازم دانستند راه خانیان و کرمانشاه را بدست خود بگیرند چه اگر غیر از این باشد ممکن است محصور گردند.

بهر صورت از چند ماه پیش که آلمانها کار اصفهان را ساختند و قنسول روس و انگلیس را هم از کرمانشاه بیرون کردند و با کمال قدرت باستظهار قشون عثمانی که از سرحد خانیان وارد شده تا نزدیک کرمانشاهان رسیده بود کرمانشاه را در تصرف خود نگاه داشتند و هضم شدند بهر قیمت تمام شود نگذارند آن نقطه از دست آنها برود قنسولهای روس و انگلیس از کرمانشاه فراری شدند و در همدان اقامت کردند مدتی در همدان ماندند و بمساعدت دولت و قوای متفرقه که استخدام نمودند بازگشت کردند.

قنسول آلمان مسیوشونمان در کرمانشاه از قصد آنها غافل نبود و استعدادی از ایلات اطراف برای خود جمع کرده چون قنسولها بکنگاور رسیدند آنها را احاطه کرده جنگ مختصری نموده چند تن از همراهان آنها کشته شدند و عاقبت از شونمان امنیه طلبیده بهمدان بازگشت نمودند در این حال در تهران روس و انگلیس دولت را ترغیب کردند استعداد وافی از قزاق و ژاندارم و غیره بهمدان بفرستند قنسولها را قهراً بکرمانشاهان برگردانند ولی مستوفی الممالک اقدام نکرد و وطن خواهان هم او را از عاقبت و خیم این اقدام ترسانیدند و جواب روس و انگلیس در اصرار کردن بدولت که باید حتماً قنسولهای ما بکرمانشاهان بروند این بود که ابتداء نقض بیطرفی از شما شد که متعرض قنسول آلمان و عثمانی در تبریز و گیلان و بوشهر شدید اکنون اگر باید قنسولهای شما برگردند آنها هم که شما گرفته و تبعید کردهاید باید بمواقع خود بازگشت نمایند بهر حال دولت برضد واقعه کنگاور اقدامی نکرد ولی روس و انگلیس

### مسافرت و حوادث جنگی

خود اقدام کرده یکدسته قزاق ایرانی را که صاحبمنصب آنها روسی بود و در کردستان اقامت داشتند بی اذن دولت بهمدان فرستادند سالار لشکر پسر فرمانفرما هم که حاکم همدان بود و هواخواه روس شخصاً استعدادی حاضر کرد که در موقع رفتن قنسولها بکرمانشاه آنها واکمک نمایند.

و بالجمله روس وانگلیس و دوستان آنها در همدان قشونی حاضر کردند برای اجرای مقاصد خویش از آنطرف آلمانها نیز آرام ننشستند و در اطراف کرمانشاهان استعدادی جمع کرده قوای خود را در اطراف همدان تمرکز دادند و روابط خود را با قوه ژاندارمری ایرانی محکم کردند روسها هم چند هزار قشون در انزلی پیاده کرده بقزوین رسانیدند که در موقع خود با استعدادی که قنسولهای آنها در همدان تهیه دیده اند ملحق نمایند. در اینموقع که قشون روس در قزوین تمرکز یافت از یک طرف قصد حمله کردن بتهران را داشتند و از طرفی قصدشان این بود کار همدان را تمام کرده از طرف آنجا خاطر خود را آسوده کنند و وسهاتصور میگردند با سیصد نفر قزاق ایرانی که در همدان دارند مصلی را که مشرف بر شهر و در تصرف آنهاست میتواند نگاهدارند ولی میلیون پیش دستی کرده بدست ژاندارمری و قوای متفرقه از مجاهد و غیره در شب دوازدهم محرم یکهزار و سیصد و سی و چهار (۱۳۳۴ هـ) شیخون بان سیصد نفر قزاق زده آنها را از مصلی فرود آوردند و کار را بر آنها تنگ نمودند جمعی از قزاقان سر از اطاعت صاحب منصبان روسی بیچیده بژاندارمری ملحق گشتند و باقی فرار کردند باین ترتیب همدان بدست میلیون افتاد بانگ انگلیسی را تصرف کردند مأمورین رسمی روس وانگلیس فراراً بقزوین رفتند.

بعضی را عقیده این است طرفیت ژاندارمری با قزاق در همدان و گرفتن مصلی زود واقع شد زیرا هنوز میلیون استعداد قابلی ندارند که بتواند حمله قوه روس را که در قزوین هست دفع نماید و بعبارت دیگر بتصرف آوردن مصلاهی همدان آسان بود و لکن نگاهداری آن در مقابل قوه دشمن مشکل و لکن کاری است گذشته.

پس از واقعه همدان روسها سخت بدست و پا افتاده چهار هزار نفر از بهترین قوای خود را برای تصرف نمودن همدان مهیا و روانه ساختند قوه ژاندارمری هم

#### فصل سی چهارم

بجلوگیری پرداخت دسته پیش جنگ آنها بفرماندهی نصرالله خان سلطان بدستجات پیش قراول روسها برخورد کرده آنها را شکست داده عقب نشاندند خبر این فتح در هنگام ورود براه جرد که میان قم و سلطان آباد واقع است بمن رسید .

حبیبالله خان معتضد نظام که از دوستان من است همه وقت درصدد بوداگر جنگی با دشمنان پیش آید اوهم بواسطه استعدادی که خود و برادرانش در خلیجستان دارند یکی از پیشقدمان آن جنگ بوده باشد و لکن در قم با کمیته دفاع ملی سازش نکرد و بالاخره بواسطه سابقه‌ئی که با سفارت آلمان داشت وزیر مختار آلمان را بخانه خود در خلیجستان برد و بهمراهی او تاراه جرد آمد و از آنجا ترغیب شد که بعراق آمده باشعبه کمیته دفاع ملی بست و بند نموده بخدمت پردازد و تصور میشد در عراق استعداد قابلی تهیه دیده شده است ولی چون بسطون آباد رسیدیم ندیدیم آنچه را که از دور میشنیدیم و این از عاداتهای مذموم ما ست که در کارها عراق گویی نموده حقیقت را مستور میداریم و تصور میکنیم گفتار میتواند کار کردار را بکند .

بهر صورت قوه‌ئی که در عراق بود يك عده ژاندارم يك عده مجاهد معدودی تفنگچی سوار و پیاده که در کار آراستن آنها بودند و يك عده سوار متفرقه بختیاری و غیره و مجموع آنها بدو هزار نفر نمیرسید در صورتیکه وانمود میکردند شش هزار نفر در عراق حاضر خدمت هستند رؤسای شهر هم که اغلب مردم متمول و با استعداد میباشند بهمراهی زبانی اکتفا کرده از اقدامات عملی احتراز داشتند و بهانه آنها این بود که دولت رسماً داخل جنگ نشده لهدا ما تکلیف خود را نمیدانیم اقدامی بنمائیم .

از طرف دیگر کار دفاع ملی بواسطه مداخله آلمانها و صاحبمنصبان سوئدی صورت ملیت نداشت و نضجی نمیگرفت روحانیان عراق که منورالفکرترین آنها آقا نورالدین و میرزا محمد علی خان بودند مساعدت مختصری با مدافعین داشتند و لکن حاضر برای اقدامات عملی نبودند در این ایام بواسطه ورود مهاجرین قم و تحریکاتی که شد دوفنر رئیس روحانی مزبور حاضر شدند که خود از شهر حرکت نموده موجبات ترغیب و تحریص جنگجویان را فراهم آوردند اعلان حرکت آنها در شهر موجب هیجان شد رجال متمول عراق از قبیل سهم‌الملك و صمصام‌الملك و غیره برای

## مسافرت و حوادث جنگی

مساعدت بظاهر حاضر گشتند و جمعی از مردم شهر خود را آماده کارزار کردند و عنوان دفاع ملی فی الجمله قوت گرفت .

اگرچه بدیبهی است از اینگونه قوا در مقابل قشون منظم روس کاری ساخته نیست و لکن اقدام روحانیان در این کار برای تهییج قوای ایلات و عشائر و برای اینکه دشمنان دین و دولت هیجان ایرانیان را تنها مستند بتحریرکات آلمانها و عثمانیان ندانند اثر نیکو داشت .

بالجمله شش روز در عراق مانده زان پس بجانب ملایر روانه گشتم که از آنجا خود را بیروجرد برسانم در ملایر مانند عراق کار دفاع ملی بی ترتیب بود حکومت شهر نظامی و در تحت قدرت ژاندارمری حاکم هم مجبور بود از حکومت نظامی ژاندارمری اطاعت نماید روحانیان آن شهر هم مثل بیشتر شهرها دودسته بودند اتحاد نمیکردند وطن پرستان آنجا ورود مرا برای رفع اختلافات مغتنم شمرده تعطیل عمومی کردند و در مسجد جامع بواسطه يك نطق طولانی که شد اختلافات آنها بظاهر برطرف شده کمیسیون اعانه دائر گردید و بترویج دفاع ملی پرداختند در این وقت که مردم در مسجد جامع جمعند پرنس ریس وزیر مختار آلمان از خلجستان برگشته وارد ملایر میشود علت تعطیل عمومی را میپرسد و از واقعه آگاه شده از نگارنده تقاضای ملاقات میکند در این ملاقات بعد از اظهار بشاشت از دادن کنفرانس و تهییج خلق میپرسد نظام السلطنه چگونه آدمی است آیا وطن پرست و آزادیخواه و درست کار است یا خیر نگارنده که نمیتواند جواب مثبت قطعی بدهد سکوت اختیار مینماید پرنس ریس ملتفت میشود که جواب مثبت ندارم میگوید عجب پاس کنت کانیتز (۱) چگونه از او تعریف میکند و بگفته او اعتماد کرده قراردادی با او بسته است اظهار بی خبری میکنم بعد از این مجلس بی فاصله روانه بیروجرد میگردد سالها بود بواسطه مناسبت سببی که رشته اش به بیروجرد و خانواده مظفر الملک منتهی میشد میخواستم

---

(۱) کنت کانیتز نماینده نظامی آلمان است در ایران شخص فعال عصبانی میباشد مدتی است در جنوب و غرب ایران برای تهیه يك قوه نظامی ملی کار میکند و اینک در بیروجرد ولرستان است .



## فصل سی و چهارم

این شهر را دیده باشم و اسباب فراهم نمیشد در اینوقت که بابریشانی حواس باین شهر میروم چندان نظری بملاحظات و خصوصیات سابق ندارم تمام حواسم مشغول است که خدمتی در آنجا بمقصد اصلی که دفاع از دشمنان است نموده باشم و ضمناً اهل و عیال خود را هم چنانکه از پیش گفته شد در این آغاز زهستان بآرامگاهی برسانم با این تفصیل و با وجود اینکه باقتضای فصل از طراوت جلگه بروجرد چیزی نمیتوان فهمید ولی باز آثار پدیداست که در بهار این جلگه یکی از جلگه‌های با صفای ایران است و بعلاوه اوضاع طبیعتش شگفت انگیز است.

بروجرد در جلگه واقع است که اطراف آنرا کوه‌های بلند مانند قلعه احاطه کرده است و دست طبیعت در آرایش اطراف شهر کوتاهی نکرده ولی موجبات بدبختی از جهات مختلف برای مردم آنجا فراهم است یکی آنکه این شهر از محل عبور و مرور دور افتاده و باین واسطه از تجدد و تمدن دنیا بکلی بی خبر است دیگر آنکه از قدیم الایام سلسله سادات محترمی در این شهر زندگی کرده بر مردم برتری داشته‌اند و بمرور زمان جمعیت زیاد یافته آقایان متعدد که هر یک داعیه ریاست و سروری دارند و املاک اطراف شهر اغلب متعلق است بآنها در گوشه و کنار این شهر ساکن و با رقابت و همچشمی عوام را در تحت اختیارات نامحدود خود نگاهداشته پیرایه‌های بسیار برسیم قدیم بر خود مینندند و دیگر وضعیت طوائف الوار است در اطراف این شهر که مهم ترین آنها طایفه بیرانه‌وند است طایفه بیرانه وند در تابستان در دامنه کوهی که در جنوب شهر بروجرد واقع است سکنی دارند مردم بروجرد همه وقت از این طایفه اندیشه دارند زیرا قوت و قدرت کامل در آنها هست و از هر گونه قتل و غارت در موقع لزوم مضایقه ندارند باین واسطه ملاکین شهر مجبورند با رؤسای این طایفه و طوائف دیگر از قبیل حسنونند و سکوند و غیره وصلت و آمیزش کنند تا از تجاوزات آنها محفوظ بمانند این اسباب که گفتیم سبب شده است که احوال روحی مردم بروجرد در یک دایره تنگی از معلومات تازه و از تجدد خواهی دوره یزند.

شهر بروجرد بواسطه کهنگی و کوچهای باریک پیچ در پیچ و قبرستانهای کثیف مخروبه متعدد که در وسط شهر و اطراف آن هست حزن انگیز و بسیار بد منظر است

### مسافرت و حوادث جنگی

اگر نبود اوضاع طبیعی این جلگه شهر بروجرد دیدنی نبود علی الخصوص در این سال که طایفه بیرانه‌وند بواسطه جنگ ملیون بروس وانگلیس بخیال شرکت نمودن در این جنگ از رفتن قشلاق صرف نظر کرده قسمتی از آنها در محل بیلاقی خود اقامت نموده‌اند و اگر اسباب رضایت خاطر آنها فراهم نشود دور نباشد ناامنی شدیدی در بروجرد و اطراف آن روی دهد چنانکه در اول ورود من باین شهر یکی دو شب بعضی از الوار خانهای اطراف شهر را غارت کردند و تا صبح از صدای تفنگ و از فریاد و داد غارت شدگان کمتر کسی خواب کرد این شهر بلکه صفحہ لرستان همیشه ناامن بوده است دیرگاهی است که اداره ژاندارمری اینجاناتاسیس شده با فداکاری بسیار این ناحیه را امن نموده است در این ایام که پستهای ژاندارمری بواسطه اشتغال آنها بچنگ با روس جمع شده و در بروجرد قوه از آنها باقی نمانده باز اغتشاش شروع شده است تا عاقبت چه باشد.

چیزی که اسباب امیدواری است حکومت نظام السلطنه است در این ناحیه که مردم بروجرد و لرستان و مخصوصاً روسای الوار از او ملاحظه دارند.

نظام السلطنه مافی شخصی متمول و مقتدر است حکومتهای مهم در ایران نموده مرجع خدہ‌تہای بزرگ در دولت بوده است باعزم و پردل و در هر کار باثبات قدم میباشد ایرادی که بر او میگیرند این است که در جمع مال اصرار دارد و بسط یدی که لازمه مقام او است ندارد و بہر صورت نظام السلطنه یکی از رجال بزرگ ایران امروز بشمار میرود پیش از این روابط سیاسی خارجه این شخص با انگلیسیان بوده است و انگلیسها او را یکی از هواخواهان خود می‌شمرده‌اند ولی از وقتی که آلمانها در جنوب و غرب ایران نفوذ یافته‌اند و مردم را برضد روس وانگلیس بر میانگیزانند و از وقتی که قوای ایلات و عشایر برای دفاع ملی حاضر میشوند و ناچار یک تن از رجال معروف دولت باید این قوا را جمع آوری کند و فرمانده کل گردد آلمانها نظام السلطنه را برای انجام این خدمت بہر وسیله بوده حاضر کرده‌اند نظام السلطنه ہم رضایت قلبی شاه را در طرف شدن با روس احراز کرده برای انجام این خدمت حاضر شده و قوه زیادی از الوار سکوند و حسنوند و غیره جمع آوری نموده که داخل کارزار شود این عقیده طرفداران

اوبعضی هم احتمال میدهند نظام السلطنه روابط باطنی خود را با انگلیسیها قطع نکرده است و داخل شدن اودراین کار از روی مصلحت بوده که ظاهراً دشمنان آنها را محدود نگاهدارد و عملیات آنها را خنثی کند تا پیش آمدها پرده را از روی حقیقت احوال بردارد هنگام ورود من ببر و جرد نظام السلطنه در الشتر شهر دوم لرستان بوده و بجمع آوری قوای الوار میپرداخت در اینصورت دفاع ملی دربر و جرد لرستان در تحت قدرت و دایر مدار اقدامات نظام السلطنه بود پس من که ظاهراً برای تهییج ملت بتیبه قوه ملی دیدن ببر و جرد رفته بودم بواسطه این اوضاع ویی اعتمادی که بعملیات نظام السلطنه داشتم بحال یأس افتادم ولی بناچار یی دوسه هفته انتظار ورود نظام السلطنه و دیدن نتیجه اقدامات اورا کشیدم و هرچه توانستم کتباً اورا ترغیب و تحریص بتعجیل نمودن در عملیات کردم نظام السلطنه دوپسر تحصیل کرده دارد که در ایام اقامت من در سویس آنجا تحصیل مینمودند و با من رابطه داشتند در اینوقت که نظام السلطنه با صاحبمنصبان سوئدی که ژاندارمری را اداره میکنند و صاحبمنصبان آلمانی که بطور فوق العاده بایران آمده اند برای مساعدت نمودن باین جنگ مر او ده و مخالطه مینمایند وجود دوفرزند تحصیل کرده برای او نعمت بزرگ شمرده میشود .

اکنون نظری بمیدانهای جنگ بیندازیم قوای جنگی تا امروز مرکب است از ژاندارمری که از هر جهت ده هزار نفر میشوند و نصف آنها میتوانند بمیدان جنگ حاضر گردند دیگر قوه مجاهدین که آنها هم در همه جا بدو هزار نفر میرسند دیگر سواری که آلمانها اجیر کرده اند آنها هم یک هزار نفر هستند از بختیاری و کاشانی وغیره هم دو هزار نفر میتوان بشمار آورد یکی دو فوج هم از سربازان قدیم در تحت ریاست رؤسای ژاندارمری حاضر خدمت شده اند این قوه ده دوازده هزار نفری متفرق است یکقسمت در همدان یکقسمت در ساوه یکقسمت در عراق یکقسمت در ملایر و نهاوند و تویسرکان و برو جرد یکقسمت در کرمانشاهان و کردستان و هر قسمت مرکب است از ژاندارمری وغیره این قسمت که در همدان بودند چنانکه گفته شد گردنه آوج را تصرف کرده بخیال خود راه قزوین بهممدان را گرفته بودند ولی غافل از اینکه روسها از راه بیراهه بسر وقت آنها خواهند آمد قشون روس بعد از شکست خوردن از ژاندارمری

### مسافرت و حوادث جنگی

وقوای ملی در راه همدان بجمع آوری خود در قزوین پرداخته در غره صفر یک هزار و سیصد و سی و چهار (۱۳۳۴ هـ) بهمدان حمله کردند قسمت کوچکی از آنها از راه معمول آمده پستهای ژاندارمری را که در راه بود عقب راندند و قسمت مهمی که چهار هزار نفر میشدند از راه سردرود بجانب همدان آمدند ماژر دوماره سوئدی که رئیس اردوی همدان بود در حالتیکه میجاهدین باروسها طرف شده میجنگیدند نگاهداری همدان را غیر ممکن دانسته است و فشنگ تیر اندازان را غیر کافی این بود که همدان را تخلیه کرده به پل شکسته دوفرسخی همدان اردوی خود را فرود آورد و روسها شهر همدان را بدون جنگی که در داخل شهر شده باشد تصرف نموده در مصلی که پیش اشاره کردیم استحکامات بنا کردند مردم حساس وطن پرست همدان که مورد مخاطره بودند همگی فرار کرده بنهاندوملایر و بالاخره بکرمانشاهان خود را رسانیدند امیر افخم همدانی کشنده سید جمال الدین واعظ که از اشخاص پست فطرت روس پرست است با روسها همدست شده آنها را با احترام وارد همدان کرد و حکومت همدان را هم به عهده خود گرفت.

روسها بتصرف نمودن همدان قناعت نکرده بجانب اردوی ژاندارمری حمله کردند اردوی ماژر دوماره با عده بختیاری که با آنها ملحق شده پس از دوسه جنگ سخت و تلفات زیاد که بردشمن وارد شد بجانب ملایر عقب نشست و روسها تا زمان آباد که میان همدان و ملایر است آنها را تعاقب نمودند کارکنان ملایر از ملیون و نظامیان بجانب نهاوند رهسپار گردیدند.

در آن وقت که قشون روس بجانب ملایر میآمد و احتمال میرفت قسمتی از آنها ببروجرد بیاید موجب اضطراب شد بطوریکه اشخاص خطرناک مصمم حرکت از آنجا شدند و هم اداره ژاندارمری و صاحب منصبان آلمانی در شرف ترك نمودن بروجرد بودند ولی طولی نکشید که بواسطه حکم کنت کانیتز که از بروجرد بمآثر دو ماره داد که ملایر را تخلیه نماید و بواسطه رسیدن قوه بختیاری که در تحت ریاست یدالله خان بختیاری بود ملایر نگاهداری شد خاطر مردم بروجرد تا يك اندازه آسوده گشت اما تخلیه همدان و احتمال حمله کردن روسها بملایر و عراق جمعیتی را که با روحانیان

## فصل سی و چهارم

عراق حر دت کرده بودند متفرق ساخت و بلکه کارکنان ملت هم در عراق نتوانستند اقامت نمایند و هر يك خود را بمأمنی کشانیدند و لکن روسها بهراق نرفتند بلکه هم خود را پس از گرفتن همدان مصروف ساوه کردند که از آن راه شهر قم را بدست آوردند امیرحشمت بااردوی مجاهدین دررابط کریم جنگ خونینی با روسها نموده بالاخره بواسطه بد بودن اسلحه و نارسانی تفنگها و کم بودن فشنگ ملیون شکست خورده جمعی کشته و اسیردادند و جمعی مجروح گشتند که عاقبت از تهران برای پرستاری آنها طیب و مریضخانه و غیره ترتیب داده شد و روسها اسرای این جنگ را کشتند این شکست تأثیر شدید در قم و در تمام اردوهای ملی کرد .

از طرف دیگر ماشاء الله خان کاشانی و حسن زاده و غیره که هر يك با استعداد مختصری و روپز وین میرفتند و شکستهای کوچکی گاهی بروسها میدادند بالاخره مجبور بعقب نشستن شدند و روسها بجانب قم رهسپار گشتند و مرکز کمیته دفاع ملی بکاشان نقل شده قم در تصرف روسها در آمد ملیون انتظار داشتند اسلحه و لوازم جنگ از طرف دولت آلمان بآنها داده شود آلمانها هم فرستاده بودند ولی عثمانیان در جنگ بغداد که با انگلیسیان نمودند آنها را تصرف کرده نگذارند بایران برسند اکنون که راه صرب باز شده و دولت آلمان میتواند لوازم جنگ را از برلن باستانبول مستقیماً برساند انتظار میرود که اسلحه و لوازم بقدر کفاف برای مجاهدین و مدافعین ایران بدهد در صورتیکه عثمانیان بگذارند بایران برسند .

خلاصه این شکست ها و تصرف همدان و قم علاوه بر اینکه روابط تلگرافی و پستی ولایات غرب و جنوب را با مرکز قطع کرد در تهران و در ولایات هم اثرات سوء بخشید در تهران مستوفی الممالک مجبوراً استعفا داد و عبدالحسین میرزای فرمانفرما را روسها بریاست و وزرائی رسانیدند حکومت تهران نظامی و سپرده بقزاقخانه گشت شاه از شهر خارج شده در فرح آباد اقامت گزید و روابط کمیته مرکزی با شعباتش قطع شد بهت شدیدی کارکنان ملت را فراگرفت و روسها در دهات اطراف راه هر کجا صدای تیری شنیدند یا بهانه دیگر بدست آوردند از کشتن مردها و شکم دریدن زنها و سر بریدن اطفال و انواع بی رحمی دریغ نداشتند ولی با این

### مسافرت و حوادث جنگی

همه میلیون دست از کار نکشیدند و مساعدین آلمانی هم وسائل جمع آوری قواء و موجبات حمله نمودن بر وسها و استرداد آنچه را از دست داده اند تا يك اندازه فراهم آوردند و باز دریچه می از امیدواری گشوده شد .

www.KetabFarsi.com

## فصل سی و پنجم

### گنت کانیترز آلهانی و گمشدن او

خبر پیش آمد های مزبور در فصل گذشته که رسید صاحبمنصبان آلهانی که رئیس آنها گنت کانیترز است (گنت کانیترز جوانی بلند قامت باریک اندام دارای قیافه نیکو است در سن چهل سالگی) سعی کردند نظام السلطنه زودتر قوای جمع کرده خود را بمیدان کارزار برساند و نگذارد رشته هائی که بزحمت پیوسته شده گسسته گردد. نظام السلطنه بگفته خود میخواست در این گیرودار قراری با آلمانها داده ضمانت امه از آنها برای استقلال ایران و تمامیت خاک آن گرفته بعد داخل میدان کارزار بگردد و این مسئله را با گنت کانیترز بمیان نهاده در گفتگو هستند.

این قرارداد بنا بوده در تهران با مأمورین سیاسی آلمان و باهضای دولت شده باشد و نشده شرح آن این است که پس از تشکیل کابینه مستوفی الممالک اخیراً اوضاع داخله و خارجه چنان اقتضا کرد که مستوفی الممالک در باطن روی خوشی بآلمانها و عثمانیان نشان بدهد که اگر نتوانست بی طرفی را بآخر برساند راهی برای خلاصی از چنگ روس و انگلیس داشته باشد علی الخصوص بافتوحات آلمان در میدانهای اروپا و آسیا و علی الخصوص با نفوذ تام آلمانها در جنوب و غرب ایران که موجب نمودن آن غیر ممکن تصور میشده مستوفی الممالک شاه را هم با خود همراه کرد و چنانکه نوشته شد با سه نفر از وزرای خود همخیال شد و مستوفی الممالک که خود وزارت داخله داشت با این وزراء اکثریت کابینه را دارا بود و بی اطلاع سایر وزراء در این موضوع اقدام میکرد در صورتیکه دوتن از سه نفر وزراء دیگر یعنی سپهدار و وزیر جنگ و و توفیق الدوله و وزیر مالیه هر دو باروسها پیوند محکم داشتند.

مستوفی الممالک با وزیر مختار آلمان و عثمانی و اطیش سرآمد اذکاره قراردادی را در خصوص ضمانت استقلال سیاسی و اقتصادی ایران با شرا یطی که از آن جمله بود

### کنت کانیتز آلمانی و گمشدن او

لغو شدن تمام معاهداتی که از پیش با روس و انگلیس بسته شده در میان آورد و صورتی نوشته شد ولی از ترس روس و انگلیس یا روس و انگلیس پرستان جرئت نکردند بزودی آنرا امضاء نمایند بلکه انتظار میکشیدند و سائل نفوذ آلمان در جنوب و غرب فراهم تر شود و اسلحه و مهمات جنگی از آلمان بخاک ایران برسد که اگر خواستند شروع بعملیات برضد روس و انگلیس بنمایند اسباب فراهم بوده باشد و بالاخره روسها پی بردند و سبقت جسته فرصت ندادند خیالات مستوفی الممالک صورت خارجی حاصل نماید و چون آن قرارداد که در میان دربار ایران با دربارهای آلمان و عثمانی و اطریش میکذشت صورت نگرفت لهذا نظام السلطنه داخل شدن خود را در کار جنگ مشروط قرارداد بضمانت نامه‌هایی که از آلمانها بگیرد و از طرف استقلال آتیه مملکت و تمامیت خاک آن و از باب مساعدت مالی و اسلحه آنها برای پایان رسانیدن کار جنگ اطمینان داشته باشد و هم از آتیه خویش بهر حال در عشر آخر ماه صفر یک هزار و سیصد و سی چهار ۱۳۳۴ نظام السلطنه از لرستان با جمعی از سرداران لرستانی و تبعه آنها بجانب بروجرد آمد که اهل و عیال خود را از بروجرد بعراق عرب بفرستد و خود يك اردوگاه عمومی تشکیل داده داخل کار زار بگردد چنانکه گفته شد رؤسای طایفه بیرانه‌وند بملاحظه اینکه خود را برای جنگ حاضر نمایند امسال بمشلاق نرفته بایک عده سوار و پیاده از راه مراجعت نموده در صفحه سیلاخور که اقامتگاه تابستانی آنها است بماندند باین خیال باز اندامری که خونی بودند صلح کنند و با حکومت نظام السلطنه سازش نموده داخل خدمت گردند.

اداره ژاندارمری آنها را تأمین داد حکومت هم از تقصیر گذشته آنها درگذشت ولی برای تأمین آنها از طرف دولت و تأمین دولت و ملت از آنها قرارداد و ضمانتی لازم بود و بخصوصیتی مابین نظام السلطنه و اداره ژاندارمری در این موضوع اختلاف کلمه حاصل میشد و مابین خوانین دهکردی و خوانین یاراحمدی که اتحاد آنها در اصلاح کار بیرانه‌وند مدخلیت داشت دشمنی بود نگارنده از بروجرد بسیلاخور رفته آنها را بایکدیگر صلح دادم و مستقرن این احوال نظام السلطنه ببروجرد وارد شده یکم هفته اقامت کرد در کار اصلاح بیرانه‌وند را بصورتی که چندان رضایت بخش نبود تمام



### فصل سی و پنجم

کرد و بخیال خود کار ضمانت نامه را هم با آلمانها انجام داده خاطر خود را از این هکنر آسوده نمود ولی من نمیتوانم باطمینان بنویسم که قرارداد نظام السلطنه با آلمانها برای حفظ استقلال ایران کافی بوده باشد خصوصاً که عثمانیان رضایت ندارند که ما مستقیماً روابط سیاسی خود را با آلمان محکم نمایم و دوست میدارند در اینوقت روابط ما با آلمان بتوسط آنها بوده باشد چنانکه آلمانها هم میخواهند با ما رابطه مستقیم داشته باشند نه بتوسط عثمانیان و اکنون در صدد نگارش این مطلب و سببهای آن نمیشم زیرا موقع نگارش آن در آتیه خواهد رسید و بعلاوه امضای يك مأمور جزء نظامی آنها در ایام جنگ در يك مملکت اجنبی در صورت فاتح بودن آندرت چه اثر خواهد داشت که در حال شکست خوردن او داشته باشد .

بهر صورت نظام السلطنه يك نوشته ضمانت نامه از آلمانها بتوسط کنت کائیتز گرفت که تا مدت بیست سال استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را ضمانت داشته باشند و هم قراردادی در باب پول و اسلحه با آنها داد و تدارك کار خود را گرفته مصمم شد روز - بیست و نهم ماه صفر یکهزار و سیصد و سی و چهار (۱۳۳۴هـ) از بروجرد بجانب صحنه حرکت نموده آنجا را اردو گاه عمومی قرار دهد و بزودی علت اختیار نمودن صحنه را برای این کار خواهید خواند نگارنده هم تکلیف خود را ندانستم که بعد از حرکت نظام السلطنه دیگر در بروجرد بمانم چیزی که حواس مرا مشوش دارد این است که پول من تمام شده و دسترس بهیچ کجا ندارم این مسافرت هم محتاج است بوسائلی از زاد و راحله که هیچیک آماده نیست در مجلسی نظام السلطنه و کنت کائیتز اصرار میکنند که نگارنده با اردو حرکت نمایم بناچار میگویم وسائل حرکت فراهم نیست کنت کائیتز حیرت میکند و نظام السلطنه میگوید هر قدر پول بخواهید حاضر است میگویم از این پول ها هرگز نخواهم گرفت نظام السلطنه سعی میکند نماینده نظامی آلمان نفهمد من چه گفتم میگوید از حاصل املاک شخصی خود بشما میدهم میگویم از شما پول نمیگیرم مگر بعنوان قرض این مجلس میکنند و بالاخره با استقراض جزئی وجه راحله خریدم و وسائل حرکت را بطور اختصار فراهم میآورم در حالتیکه بیش از چند تومان ندارم که مخارج بخانواده خود بدهم و یا با خود بردارم خانواده

### کنت کاتیز آلمانی و گم شدن او

خود را متوکلا علی الله در توده وزن دوفرسخی بر و چرد که قلعه محکمی دارد و منسوبان خانواده من در آنجا اقامت دارند گذارده از آنجا با یک ملازم هر یک بر مرکبی سوار بنهاند رفته باردوی نظامی ملحق میگردد .

نهادند گرچه شهریتی ندارد که قابل دیدن باشد و لکن از آنجا که یکی از شهرهای تاریخی است مخصوصاً در حوادث جنگی اول اسلام جای آنرا داشت که شایق دیدار آن باشم و لکن بواسطه احوال روحی خودم و پیش آمد اوضاع وطن و مهیا نبودن اسباب جنگ در اینوقت که ما مجبور بمدافعه شده ایم نهند راهم مانند یکی از دهات سرراه مینگرم و تمام حواسم صرف پیشرفت مقصدی است که دارم علی الخصوص که خیر میرسد دشمن بما نزدیک شده و راه مستقیم از نهند بکنگاور و صحنه خطرناک گشته است .

بالجمله دوروز در نهند میمانم و کوشش بسیار من در بدست آوردن بول مشروعی برای فرستادن بخانواده و همراه داشتن بی نمر میماند و روزسیم با حال پریشان در ققای اردوی نظامی از راه خزل بجاناب صحنه روانه میگردد در این روز در حالتیکه بارندگی شدید است راه دور نهند و شهرک را میپیمایم و چون من از اردو عقب مانده ام میکوشم پیش از آنکه شب در رسد باردو برسم و لکن نمیرسم و بناچار در یکی از دهات که تا شهرک مسافت کمی فاصله داشت قصد ماندن نمودم در نزدیکی آن آبادی شترهای قورخانه را دیدم در گل ولای مانده بعضی افتاده و برخی شکسته و بارها در آب و گل افتاده سعی و کوشش ساربانان در خلاص نمودن آنها بیهوده مانده در اینحال بخاطر آوردن قطارهای راه آهن آلمان را که باجه سرعت و قدرت ذخیره و مهمات لشگریان را میرساند و اگر نزدیکتر نظر کنیم در چند فرسخی آن محل قور خانهای اردوی روس در گاریها و اتومبیلها بسرعت حمل و نقل میشود و ما نتوانسته ایم مختصر قورخانه خود را لااقل بدوش اسب و استر بگذاریم که شب در میان صحرا و در آب و گل نماند بلی این است نتیجه غفلت گذشتگان این است نمره خیانتکاری پیشینیان این است اثر کشمکش های حیدری و نعمتی کارکنان امروز ما و این است نتیجه بی لیاقتی ذمه داران امور ما که وزر و وبالش دامنگیر وطن ما شده است بالجممله خود

## فصل سی و پنجم

را بآبادی رسانیده درحالتیکه خانهای رعیت ها پر است از سوار و پیاده و کسی راراه نمیدهند. هوا تاریک شده باران بشدت میبارد و در خانه‌ئی را گشوده دیدم بدهلز مسقف آن از باران پناه بردم در این حال پیرمردی از اهل آبادی از خانه در آمده گفت در این خانه منزل یافت نمی‌شود اصرار کردم که آنجا بمانم چون صدای مرا شنید پیش آمد نگاهی بصورت من کرد و سلام و تعارف آشنائی نمود و گفت من شما را میشناسم و در قم شما را دیده‌ام که نطق می‌کردید با من بیائید تا برای شما منزلی پیدا نمایم سخنان مرد پیر مرا خوشحال کرده از خانه بیرون رفتم قدمی چند که دور شدیم بیک خانه اشاره کرد و گفت آنجا منزل هست این بگفت و بسرعت برگشته در را روی ما بست در صورتیکه در آن خانه هم منزلی یافت نمیشد رفتار حیلۀ آمیز پیرمرد مزبور بیشتر موجب پریشانی حال من شده ناچار بخیال افتادم صاحبمنصب سواران را پیدا کرده بتوسط او اسباب آسایشی فراهم نمایم یکی از مردم ده مرا از دیواری بالا کشیده بخانه‌ئی وارد کرد که سرهنگ سواران در آن خانه بود اتفاقاً سرهنگ مزبور عبدالله خان خیابانی با من آشنا بود از ورود من خوشحال شد و پذیرائی پرداخت گفتم پیش از پذیرائی من قافله در راه مانده را باید بمنزل رسانید و قورخانه در صحرای ریخته را جمع آوری کرد عبدالله خان جوانان خود را مأمور انجام این خدمت کرد همین که جوانان رفتند و خیال من راحت شد قصه حیلۀ بازی پیرمرد را برای سرهنگ نقل کردم درحالتیکه دو مرد پیر در کنار کرسی نشسته بودند و من غافل بودم که این خانه همان خانه است که از آنجا بیرون شدم و پیرمردی که در مقابل من نشسته است همان است که مرا از خانه بحیلۀ بیرون کردن همینکه شروع بنقل کردن حکایت کردم دیدم پیرمرد دست خود را مقابل صورت گرفت از اینکار حدس زدم شاید این همان مرد باشد بالاخره دیدم مطلب پوشیده نیماند بمعذرت خواستن در آمد و گفت من همان سگ روسیاه هستم صاحب این خانه هم نیستم بلکه امشب اینجامه‌مانم تقصیر مرا ببخشید بخشیده شد و چون پاسی از شب برفت جوانان درحالتیکه قورخانه را بادوش خود از مسافت دور بآبادی رسانیده بودند باز گشتند و آن شب گذشت فردای آنروز از شهرک گذشته بجانب ماران که آبادی است در خاک خزل روانه شدم اردوی نظام السلطنه را از اول

### کنت کانیتز آلمانی و کشدن او

تا آخر بدقت مشاهده کردم از ژاندارم و سرباز و سوار چریک و مجاهد و غیره بیش از سه هزار نفر نبود و یک قسمت این جمعیت خانواده نظام السلطنه بود که بعراق عرب میرفتند در صورتیکه نظام السلطنه با کنت کانیتز قرار داده بود چهار هزار نفر سوار کاری همراه خود داشته باشد اردوی مزبور آنمقدار که سوار لرستانی بود یک جمع غارتگرشیه تر بودند تا بمدافعین از وطن مهم تر قسمت این سوار از طایفه حسنونند بودند در تحت ریاست سردار امجد حسنوندمر دطماع غارتگر سوار مزبوره میریخت بدهات اطراف و از هر کونه ستمگری درباره بیچارگان مکرر غارت شده دریغ نمیکرد قسمت دیگرش سرباز سیلاخوری بود که نمونه از کار آنها را بزودی خواهید خواند باقیماند یکقسمت که برای جنگ میرفتند و آن قسمت ژاندارمری بود.

بهر حال این روز را با کمال افسوس از آگاه شدن بر کمیت و کیفیت اردویی که در مقابل قشون روس باید بجنگد با آخر رسانیده در حیرت شدید فرورفته راه طی میکردم چون منزل نزدیک شد شتاب کردم زودتر بمنزل رسیده جایگاهی بدست آورم در این حال سربازی از مردم سیلاخور بمن برخورد بمناسبتی آغاز گفتگو کرد جوانی چابک و طرار بود افسردگی زیاد مرا بر آن داشت که رشته صحبت را با او نکسلم خصوصاً که هر قدر تندتر سیر میکردم به چابکی در پای رکاب من میآمد و چون بآبادی رسیدیم از رفیقان خود در گذشته بخدمتگذاری من پرداخت ملازم من که کمکی برای انجام وظایف خود دید فرصتی بدست آورده بار خدمت را بدوش وی گذارد سرباز مزبور بفوریت هیزم جمع کرده تنوری بر افروخت قدحی خمیر آماده از خانه کدام بینوایان آورد مرغی گرفت و ارایت کرده نان و کبابی حاضر نمود و نصیحت مرا که تجاوز بمال مردم نکنند نپذیرفت و چون من و نوکر من از خوردن نان و بریان نا مشروع امتناع کردیم همه را خود بخورد این جوان از دزدان ماهر و از چپاولان عیار بود چه از همان خانه چون که متعلق به پیره زالی کور بود چیزی که قابل ربودن بود در ربود اما بملاحظه نمک خوارگی دستبرد میبخشید اسباب زندگانی ما نزد و این از غرائب بود.

بهر حال فردای آن از ما ران بجانب صحنه روانه شدیم چون بنزدیک بید سرخ رسیدیم آثار استحکامات نظامی در دو طرف گردنه هویدا گشت خندقهای متعدد بطرز

## فصل وسی پنجم

تازه که هنوز در ایران دیده نشده بود کنده شده اطاقهای بسیار در زیر زمین برای صاحبمنصبان و تاین ها در اطراف خندق قرار داده توپهای سنگین را بقله کوهها کشیده در پشت گردنه لوازم اردو و از مریضخانه غیره مهیا نموده اند استحکامات مزبور طوری بدیده من جلوه کرد که تصور نمیشد دشمن هر قدر قوت داشته باشد بتواند از آنجا بگذرد و این بود علت انتخاب نمودن صحنه برای اردو گاه عمومی شدن خلاصه پس از تماشای استحکامات بید سرخ بصحنه آدمم قصبه صحنه بدیدی است بایک اردوی چند هزار نفری آنهم مرکب از مردمی که بنمونه آنها اشاره شد بچه روز میقتد در ساعت اول ورود صدای فریاد و داد مردم از تعدیات واردین بلند شد و فریادرسی دیده نمیشد رؤسای الوار از حقوقی که گرفته بودند و میگرفتند با فراد کمتر میدادند یا هیچ نمیدادند در این صورت آنها هم چارهئی نداشتند مگر آنکه لوازم زندگانی راکب و مرکوب را بر مردم بیچاره تحمیل نمایند .

کنت کانتیر پس از ورود اردوی نظام السلطنه بصحنه و اطمینان از راههای دیگر که برای تجاوز دشمن بود و بعبارت دیگر پس از تشکیل و استحکام حدود مدافعه بخیمال حمله نمودن بهمدان افتاد در اینوقت ملایر و توپسراکان و نهاوند و کنگاور و توابع آنها در دست ما بود در این صورت محل توجه همدان بود و تصور میکرد اگر همدان را از دست دشمن باز پس گرفت تهرانرا تهدید کرده دشمن در تهران نخواهد ماند و این جا یک نکته مهم است که میباید قبلا بیان اشاره نمود و آن این است که سیاست نظامی کنت کانتیر اقتضا میکرد کار این جنک را بفکر و پول آلمانی و بدست ایرانی انجام داده باشد بی آنکه بعثمانیان رخنهئی در این کار بدهد و بهمین سبب میانه او و مأمورین نظامی عثمانی که خود را شریک میدانستند اختلاف باطنی حاصل شده از یکدیگر ملول شده بودند کنت کانتیر تصور میکرد قوه ژاندارمری و قوهئی که با نظام السلطنه آمده است برای دفع دشمن و تصرف همدان و بلکه قزوین و تهران کافی است و محتاج نخواهد بود استمدادی از قوای عثمانی بنماید کنت کانتیر تصور میکرد بزودی مهمات جنگی چنانکه در فصل پیش اشاره شد از برلن از راه عثمانی بایران خواهد آمد و هر قدر لازم داشته باشد از جوانان ایرانی را مسلح خواهد کرد غافل از اینکه عثمانیان در صورتیکه

### کنت کائیتز آلمانی و گمشدن او

راضی از کار او نباشند نخواهند گذارد مهمات از خاک آنها عبور نماید علی الخصوص که قشون انگلیس تا نزدیکی بغداد آمده و عثمانیان نهایت حاجت را بهمهمات برای نگاهداری بغداد دارند نه تنها آنها نخواهند گذارد مهمات از آنها بگذرد بلکه صاحبمنصبان نظامی آلمان مأمور عراق که رئیس کل آنها مارشال کلتز پاشا میباشد هم ضرورت نگاهداری بغداد را از کمک رسانیدن بکنت کائیتز بیشتر میدانند این بود که رسیدن مهمات آلمانی بار دوی ایرانی بطول انجامید و کنت کائیتز نتوانست بوعده‌های خود وفا نماید و از طرف دیگر پرنس ریس وزیر مختار آلمان مستعفی یا معزول شده بدیار خود بازگشت نمود و بجای وی دکتر واسل که مدتی فرمراکش مأموریت سیاسی داشته و مورد خوش خلقی متواضع ملایمی است بصحنه وارد شد وزیر مختار جدید آلمان دکتر واسل از طرف دولت خود مأمور بود باصفهان رفته کابینه وطن پرستی از ایرانیان موقتاً در آنجا تشکیل شده باعده‌ئی از نمایندگان ملت که از تهران مهاجرت نموده يك دولت ملی بر ضد کابینه فرمانفرما تشکیل داده با آن دولت موقتی قراردادهای لازم را در ترتیب کار مملکت بدهد و دولت آلمان و متحدین او بر ضد روس و انگلیس و فرانسه این دولت موقتی را بشناسند و سلطان احمد شاه را در محاصره روس و انگلیس دانسته قرار داد مزبور را بعد از آزاد شدن شاه بمعاهده رسمی مبدل نمایند .

دکتر واسل باین عزم بصحنه آمد که بزودی خود را باصفهان برساند ولی بواسطه بعضی از پیش آمدها از عزم مسافرت باصفهان در گذشت و در صحنه مدتی اقامت نمود .

دکتر واسل وقتی این مأموریت ریافته بود که مرکز کمیته دفاع ملی در قم یا اصفهان بود و نظام السلطنه بنام رئیس قوه مجریه بر سر کار نیامده بود در اینوقت که بواسطه نزدیک شدن روسها و تصرف نمودن اطراف ملایر و کنگاور و غیره راه اصفهان بمخاطره افتاده و نظام السلطنه هم اعضای کمیته و نمایندگان را بصحنه طلبیده است دیگر رفتن وزیر مختار آلمان باصفهان لزومی نداشت این بود که قرار دادند کاری را که در اصفهان باید بشود در کرمانشاهان انجام دهند .

ورود وزیر مختار آلمان بالضرورة بتصرفات تام که کنت کائیتز در غیاب او داشت

لطمه می وارد آورد بعلاوه که کنت مزبور مأموریت یافت که در تحت فرمان برداری از يك صاحبمنصب بزرگتر از خود که از طرف مارشال سابق الذکر آلمانی مأمور ایران شده موسوم بکلنل بپ بوده باشد کلنل مزبور از صاحبمنصبان معروف آلمان است و در جنگهای آلمان با فرانسه خدمات شایان نموده معلوم است و رود این صاحبمنصب اختیارات کنت کانیتز را محدود بلکه دست و پای او را بکلی بست خصوصاً که کلنل تصورات کنت کانیتز را در اینکه بی شرکت دادن بقشون عثمانی در ایران بشود در مقابل قشون روس کاری کرد تعقیب نمود و بزودی دانست که از قوای ایلاتی جمع شده بتوسط نظام السلطنه هم کاری ساخته نیست و بهتر شاهد این مسئله قضیه رفتار سردار امجد - حسون بود که چنانکه گذشت با هشتصد سوار بتوسط نظام السلطنه بمیدان آمده بود و مبلغ گزاف میگرفت بی آنکه خدمتی کرده باشد و از صحنه بواسطه نارضائی از نظام السلطنه وانجام نشدن مقصد شخصی او بمحل خویش بازگشت کرد با چاپیدن هر چه در راه او بود و هم بعضی دیگر از سوارهای عشایری متفرق شدند و آنانکه در کار بودند مانند کلهرها که بریاست عباس خان سردار اقبال پسر جوان میرخان کلهر در کنگاور بودند و در یکی دو میدان مختصر جنگی باروسها کردند و آنها را عقب نشاندند بالاخره بواسطه نداشتن فشنگ یا از روی اغراض اشخاص و تحریکات بیگانگان و بیگانه پرستان و بواسطه نگرانی او از عمومی خود سلیمان امیر اعظم که در این خدمت شرکت نکرده بود کنگاور را بی قوه گذارده بکرمانشاهان مراجعت نمودند و کنگاور بتصرف روسها در آمد نظام السلطنه بترغیب کنت کانیتز بخیال پس گرفتن کنگاور افتاد و باز هم او ملتفت نشد که نظام السلطنه باطناً با او همراه نیست کنت کانیتز خود بشخصه فرماندهی یکعده از قشون مرکب از نظامی ترک و ژاندارم و ایلاتی را بعهده گرفته بمیدان کارزار حاضر شد ولی هنوز بادشمن روبرو نشده بود که از طرف کلنل بپ فرمان بازگشت باورسید و کلنل مزبور چرا این فرمان را داد علتش بر من پوشیده است چیزی که مسلم است این است که نافرمانی قوای ایلاتی در این کار مدخلیت داشته و نارضائی باطنی نظام - السلطنه هم بی دخالت نبوده است بهر صورت نتیجه این بازگشت ناپدید شدن کنت کانیتز گشت کانیتز در قریه قراکونلومیانه کنگاور و قزوینه نوکرهای خود را جواب داده

کنت کانیتز آلمانی و کمشدن او

مکتوبی بتوسط مترجم خویش بکلنل بپ فرستاد وهم مکتوبی بتوسط گماشته خویش بدکترا یلبړک idergue رئیس مریضخانه دولتی در تهران که اینک رئیس مریضخانه هلال احمر است نوشت مضمون مکتوب اول نامعلوم ولی مکتوب دوم اشاره داشت که قصد خودکشی دارد وهم مکتوبی در لاف خط کلنل بعنوان مادر خویش که در آلمان است نوشت که مضمونش معلوم نگشت و حدس زدند و داعنامه ابدی بوده است.

کنت کانیتز بعد از این واقعه ناپدید شد اسب او را از آن ده باردو گاه عمومی آوردند و گفته شد که کنت اسب صاحبخانه خود را سوار شده تفنگ و فشنگی برداشته از آبادی بیرون رفته است وهم گفتند که وی پیاده رفته است و بالجمله دیگر کسی از او خبر نیافت و این واقعه روز یکشنبه دهم ربیع الاول یکهزار و سیصد و سی و چهار- (۱۳۳۴ هـ) بود .

فردای آنروز قسمتی از اردوی ترک بایکدسته ژاندارم و جمعی از سوارهای متفرقه بکنگاور حمله کردند و کنگاور را بعد از یازده ساعت جنگ از چنگ روسها در آوردند نظام السلطنه هم در عقب این اردو بکنگاور رفت و برگشت ولی افسوس که دوروز بیشتر طول نکشید کنگاور را تخلیه کردند و روسها دوباره بدانجا بازگشتند چه برای این طرف نگاهداری کنگاور بواسطه موقعش ممکن نبود و این اقدام تنها برای اظهار وجود بود و چون این فصل کتاب من بنام سپاسگذاری بعنوان يك جوان غیر تمند آلمانی آغاز گشت میخواهم که هم بنام وی پایان یابد .

کنت کانیتز نسبت بایران و ایرانیان خوش گمان بود و در دربار برلن از ایرانیان دفاع میکرد کنت کانیتز نقشه بی در نظر گرفته بود که اگر روز گار با او مساعدت کرده بانجام آن موفقیت حاصل میکرد ایرانیان وطن پرست بآرزوی خود رسیده بودند کنت کانیتز در مدت اقامت من در بروجرده مکرر بدان شهر آمد و رفت کرد با من طرح الفت ریخت و بمهربانی رفتار کرد تذکراهائی که باو میدادم مغتنم میشمرد يك روز در ضمن صحبت گفت ما برای اینکه ایرانیان بهتر حاضر خدمت شوند دخالت یکنفر از رجال معظم دولت را در کار جنگ برای نمایندگی از طرف دولت ایران لازم دانستیم اول خیال کردیم مخبر السلطنه را برای این کار حاضر نمائیم که باو دسترسی نیافتیم اینک



نظام السلطنه را حاضر کرده ایم و هر گونه مساعدت و تأمینی که خواسته باو داده ایم و خواهشهای او را بر آورده ایم میترسم این شخص آن طور که باید بوعده های خود که بما داده است وفا نکند جواب دادم نظام السلطنه عاقبت اندیش است اگر احتمال میداد نتواند بوعده های خود وفا کند چگونه اقدام بچنین کاری میکرد و بالاخره چون نظام السلطنه از آلشتر به بروجرد آمد و کنت کانتیز از او جدا نمیشد تا او را حرکت بدهد دوسه روزی کنت مزبور بزحمت شدید گرفتار شده بود که آن گرفتاری بواقع برای يك تن هر قدر هم کار کن و کار دان باشد زیاد بود و مکرر شکوه کنان میگفت من از دست این مرد عصبانی شده ام و باوجود این دقیقه نمی ار وقت را فوت نمی کرد .

يك روز در اطاق کار خود که اطاق کوچک زیر زمینی بود در باغ بشیر الممالک اقامتگاه وی در بروجرد مرا پذیرفت در حالتیکه مشغول نگارش قرار نامه می بود که میخواست بنظام السلطنه بدهد و فوق العاده حواسش مشغول آن کار بود و بی در پی کارهای مهم وارد میشد و از او تکلیف میخواستند و ناچار بود همه را رسیدگی کند با وجود این با کمال مهربانی و خوشروئی مدتی با من صحبت داشت و ابدأ اظهار گرفتاری و پریشان حواسی نمود کنت کانتیز در این ملاقات بنگارنده اظهار کرد که بیست و پنج هزار لیره طلاست و اشاره کرد بصندوقی که در کنار حجره بود این مبلغ بایستی در کاشان بشو نمان که نماینده ماست برسد برای مصارف جلو گیری از رفتن قشون روس باصفهان چون راه هانا امن است من این پول را بشما میدهم با اجازه اینکه پنج هزار لیره آنرا خرج رسانیدن باقی آن بکاشان بنمائید جواب دادم شما نماینده قوه نظامی آلمان هستید و تمام قوه ژاندارمری ایران هم امروز در دست شما است با این قدرت از رسانیدن این مبلغ بکاشان اظهار ناتوانی میکنید من که هیچ قوه در دست ندارم چگونه میتوانم این کار را انجام دهم خیر اگر بیست هزار لیره بمن بدهید برای رسانیدن پنج هزار دیگر قبول نخواهم کرد اگر چه میباید دلتنگ شده باشد ولی با کمال خوشروئی مرا تصدیق کرد و گذشت وهم در این ملاقات بار گفتم شایسته است بعد از این از مصارف بیهوده کردن و پول پاشیدن بی ترتیب جلو گیری نمائید ما خود صندوق مالیه موقتی دایر بولایاتی که در تصرف ما است تأسیس نمائیم .